

چکار کنیم آدم موفق باشیم؟

سی اصل برای موفقیت



محمد تقی صرفی پور



بسم الله الرحمن الرحيم

سی اصل موفقیت

1- از هیچکس چیزی نخواهید

بزرگان ما گفته اند از دیگران درخواست نکنید
زیرا با درخواست کردن، عزت انسان پایمال
میشود.

امام سجاد(علیه السلام) فرمود: دیدم همه خیر
را که جمع شده در قطع طمع از آنچه در دستان
مردم است و کسیکه از مردم امید در چیزی
نداشته و اموراتش را به خدا بسپارد خداوند
دعایش را در هرچیزی اجابت می کند.

سخن پیامبر(ص) درباره عزت نفس:

عده ای از انصار خدمت رسولخدا(صلی الله علیه و آله) آمدند و عرضکردند یا رسول الله آیا بهشت را برای ما ضمانت می کنید حضرت فرمود:
شما قول می دهید که از کسی چیزی طلب نکنید.

گفتند: بله یار سول الله. پس رسولخدا(صلی الله علیه و آله) بهشت را برای آنها تضمین کرد بعد از این جریان اگر مردی تازیانه اش می افتاد و او سواره بود پیاده می شد و آنرا برمی داشت و خوش نداشت که سؤال کند از کس.

درباره حضرت امام می گفتند هیچ وقت از همسرش و فرزندانش چیزی درخواست نمی کرد. سید احمد می گفت ما ارزو می کردیم امام

به ما مثلا بگويد برايم يك ليوان اب بياوريد ولي
امام خود مي رفت و اب مي آورد.

امام صادق(عليه السلام) مي فرمايد: شيعيان ما
مردماني هستند كه اگر از گرسنگي بميرند دست
نياز به اين و آن دراز نمي كنند

در زمان رسولخدا(صلي الله عليه وآله) شخصي
وضع ماليش سخت شد و همسرش به او گفت اي
كاش نزد رسولخدا(صلي الله عليه وآله) مي رفتي
و از او چيزي طلب مي كردي آن مرد نزد
رسولخدا(صلي الله عليه وآله) آمد وقتي كه
حضرت او راديدند قبل از اينكه او صحبتي كند
حضرت فرمود: هر كس از ما سؤال كند به او عطا
مي كنيم و هر كس از ما نخواهد خدا او را بي نياز
مي كند.

آن مرد با خود گفت رسولخدا(صلی الله علیه و آله) غیر مرا قصد نکرده پس بهانه برگشت و جریان را به زنش گفت . زنش گفت:

رسولخدا(صلی الله علیه و آله) هم بشر است او از کجا خبر دارد ما گرسنه هستیم. برو و او را از وضع زندگی ما آگاه کن آن مرد پیش رسولخدا(صلی الله علیه و آله) رفت و پیامبر همان جمله را فرمودند و تا سه بار این رفت و برگشت پیش آمد تا اینکه آن مرد عزم خود را جزم کرد تا سخن پیامبر را بکار ببندد پس رفت و یک تبری عاریه کرد و بالای کوهی رفت و هیزم تهیه کرد و فروخت و به جای آن آرد گرفت و آن شب غذا تهیه کردند و فردا هیزم بیشتری تهیه کرد و فروخت و روز به روز وضعش بهتر شده پس تبری خرید و بعد دو شتر بارکش و سپس

غلام خرید و توانگر شد آنگاه نزد پیامبر آمد و
شرح حالش را گفت رسول خدا فرمود من که به تو
گفتم هر کس از ما بخواهد می دهیم و هر کس
نخواهد خدا او را بی نیاز می کند

آییست آبرو که نباید بجوی باز

از تشنگی بمیر و نبر آبروی

خویش

دست طمع که پیش کسان می کنی دراز

پل بسته ای که بگذری از آبروی

خویش

در خانه کارهای شخصی خود را انجام دهید
مثلا نگوئید برایم آب بیاورید! خودتان بروید آب
بیاورید.

اگر سر سفره نشسته اید نگوئید اون پارچ اب را
به من بدهید! خودتان بلند شوید و ان را بیاورید.

دربین همکارانتان که هستید باز چیزی و
درخواستی از انها نکنید. قرض نکنید مگر اینکه
مجبور شوید. تا می توانید وام درخواست نکنید تا
بعد نیاز به درخواست ضمانت و امثال ان پیدا
کنید.

دستور دادن و درخواست کردن برای کارهای
شخصی، انسان را تحقیر می کند.

□ آیت الله حق شناس میفرمود:

❓ در زمانی که بنده درس طلبگی می‌خواندم، به
استادم گفتم: دایی بنده میلیاردر است، ولی هیچ
توجهی به بنده ندارد!

❓ استاد گفت: این صحبت تو نشانۀ این است که
محبت دنیا در قلب تو رسوخ کرده است، هر چه
زودتر باید این محبت را از قلب خودت خارج
کنی.

❓ دایی کدام است؟! باید خدا و امام زمان(ع) رزق
تو را بدهند.

□ □ چند سالی که من در کلاس اخلاق شرکت کردم، یک روز شیخ رضا علما پیش من آمد و گفت: من پیش دایی شما رفته ام و برای شما یک ماهیانه تعیین کرده ام.

؟ بنده وقتی این حرف ایشان را شنیدم، خیلی ناراحت شدم و گفتم: شما با اجازه چه کسی چنین کاری کردی؟! روز قیامت در حضور پیغمبر (ص) گریبان تو را خواهم گرفت!

□ □ گفت: باباجان! من به شما احسان کرده ام.

❓ گفتم: خیر، این کار شما احسان در حقّ من نبوده است! و اگر بخواهی که من از سر تقصیر تو بگذرم، باید بروی و به دایی بنده بگویی که اگر تو پول می‌خواهی، به من مراجعه کن!

❓ البته بنده در آن زمان هیچ پولی نداشتم، ولی با توجه به مقام مقدس امام زمان (ع) این حرف را می‌زدم.

❓ ببینید مطالب اخلاقی چه تأثیری می‌کند! من همان کسی بودم که از دایی خودم توقع مالی داشتم.

❓ ز ملک تا ملکوت، ج ۱

امام سجاد علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق می
فرمایند:

وَلَا تَفْتِنِّي بِالْإِسْتِعَانَةِ

برخیزم، و در بیچارگی به پیشگاه تو بنالم، و مرا
به کمک خواستن از

**بِغَيْرِكَ إِذَا اضْطَرَرْتُ، وَلَا بِالْخُضُوعِ لِسُؤَالِ غَيْرِكَ
إِذَا**

غیر خود چون مضطر شوم، و به فروتنی برای
مسئلت از غیر خود چون

**اِفْتَقَرْتُ، وَلَا بِالْتَّضَرُّعِ إِلَى مَنْ دُونِكَ إِذَا رَهَبْتُ،
فَأَسْتَحِقَّ**

ندار شوم، و به زاری کردن به درگاه غیر خود
چون بترسم گرفتار مکن، که به آن خاطر

بِذَلِكَ خِذْلَانِكَ وَ مَنْعَكَ وَ إِعْرَاضَكَ، يَا
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

سزاوار خواری و منع از رحمت و بی‌اعتنایی از
جانب تو شوم، ای مهربانترین مهربانان

2-عصبانیت خود را کنترل نمائید

که اگر هر فردی به هر دلیلی به ما حرف های

ناراحت کننده زد، یا عملی انجام داد که ما عصبانی

شدیم باید خشم خود را فرو بخوریم و در مقابل

عکس العملی نشان ندهیم.

پیامبری که کوه خورد!

از امام رضا علیه السلام روایت شده که:

خدای عزّوجلّ به پیامبری از پیامبران وحی

فرمود: چون صبح کردی نخستین چیزی را که با

آن رو به رو شدی بخور صبح که شد آن پیامبر به

راه افتاد و با کوه سیاه بزرگی رو به رو شد. ایستاد

و گفت: پروردگارم عزّوجلّ مرا فرموده است

که این را بخورم و متحیر ماند، ولی به خود آمد و

گفت: پروردگارم، جلّ جلاله، مرا به کاری که

توانش را ندارم فرمان نمی دهد. لذا به طرف کوه

رفت تا آن را بخورد. هر چه به آن نزدیک می

شد، کوه کوچکتر می گشت و وقتی به آن رسید

کوه را لقمه ای یافت و آن را خورد و دید

خوشمزه ترین چیزی است که تا کنون خورده

است.

بعد به او گفتند این کوه مثال خشم و عصبانیت

است که اولش سخته ولی اگر کنترلش کنی

شیرین خواهد بود.

بسیاری از دعواها و اختلافات از عدم کنترل

عصبانیت است. لذا قران و اهل بیت به ما توصیه

کرده اند حتما عصبانیت خوتون رو کنترل

کنید. گاهی بر اثر عدم کنترل عصبانیت افرادی

بوده اند که مادر خود یا پدر خود یا رفیق خود یا

همسر خود را کشته اند! گاهی باعث شده اند یک

طایفه اواره شهرها بشوند.

بهترین راه کنترل عصبانیت این است که انسان

صلوات بفرستد و وضو بگیرد و در حال عصبانیت

هیچ سخنی نگوید. هیچ تصمیمی نگیرد. از نظر

شرعی تصمیمات ادم عصبانی اعتباری ندارد .

قسمش یا نذرش اعتبار ندارد.

مومن باید خوش اخلاق باشد و تا می تواند

عصبانی نشود.

ایه الله حسن زاده نامه نوشت برای دیدار امام

زمان. اما چند روز بعد عصبانی شد و با خانواده

اش بداخلاقی کرد. جواب نامه آقای قاضی آمد

که:ایشان چگونه می خواهند این راه را طی نمایند

با آن اخلاقی که نسبت به عائله و کودکان انجام و

با آنها دعوا کردند، با آن اخلاق تند چگونه می

شود به این رتبه و مقام رسید.»

هرکسی به امام کاظم علیه السلام بدی می کرد
حضرت براش هدیه می فرستاد..

ما هم این روش را امتحان کنیم. اگر کسی به ما

بدی کرد بجای تلافی کردن، بش خوبی کنیم. بش

هدیه بدهیم. بعد اثر معجزه اسایش را که دوستی

و جلب محبت طرف است می بینیم.

3- مشکلات خود را به کسی نگوئید

ادم نباید مشکلات خود را به دیگران حتی رفیقش بگوید. چون اثرش این است که ادم شکست خورده ای به نظر می رسیم!

مفضل بن قیس در اثر گرفتاری مالی نزد امام صادق (علیه السلام) آمد و از وضع زندگی خود لب به شکایت گشود و به امام عرض کرد مبلغی بدهکارم. نمی دانم چگونه بدهی خود را ادا کنم و برای هزینه زندگی در آمدی ندارم و ... امام دستور دادند کیسه حاوی چهارصد دینار طلا برای او آوردند و بعد فرمود: هرگز برای مردم گرفتاری خود را بازگو مکن زیرا نخستین اثرش این است که وانمود می شود تو در صحنه زندگی شکست خورده ای .

علی (علیه السلام) می فرماید:

((رضی بالذل من کشف ضره لغيره))

راضی شده به ذلت کسی که گرفتارش را برای
غیر ظاهر کند.

این پنج چیز را با مردم مطرح نکنید!

رازهایتان

گناهان و خطاهایتان

زندگی خصوصی

درآمدها

آیا دوست دارید دیگران درباره درآمدهای شما پرس و جو کنند؟
نه.

نقاط ضعف‌تان!

4- بیماری خود را مخفی نمایید!

بعضی‌ها عادت بدی دارند وقتی پیش یه نفر می
نشینند شروع می‌کنند مرض‌های خودشون رو

گفتن. که بله من دیابت دارم! من قلبم مشکل

داره! من کلکسیون بیماری ها هستم من...

این باعث میشود احترام انسان نزد دیگران کم شود.

پیامبر خدا فرمود:

أَرْبَعٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ : كِتْمَانُ الْفَاقِهِ ، وَ كِتْمَانُ
الصَّدَقَةِ ، وَ كِتْمَانُ الْمُصِيبَةِ ، وَ كِتْمَانُ الْوَجَعِ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:

:چهار چیز از گنج های بهشت است :

پنهان داشتن ناداری، پنهان داشتن صدقه، پنهان
داشتن مصیبت و پنهان داشتن درد.^۱

میزان الحکمه جلد دهم^۱
محمّد محمّدی ری شهری
صفحه ۴۹۴

اگر مثلا دل درد داریم لازم نیست به کسی بگیم
حتی به والدین یا همسر. چون اونها هم نگران
میشوند. فقط به پزشک و پرستار گوییم .

گاهی پیش بعضی دوستان که می رویم می بینیم
وقتی تعریف می کند می گوید مثلا تا بحال چند تا
عمل داشته ام و چندبار بیهوشم کردند! ارتزوز
دارم و درد میکشم! و...

اینجور حرف زدن باعث میشود ادم کم ارزش
شود.

5- کمک به دیگران را مخفیانه انجام دهید

به ما سفارش شده که اگر می خواهیم به نیازمندی
کمک کنیم ان را مخفیانه انجام دهیم چون
اینجوری دارای چند تا فایده است.

یکی اینکه آبروی طرف حفظ میشود. و دچار
خجالت و شرمندگی نمی گردد. یکی اینکه باعث
ریاکاری و اشکال در قصد اخلاص ما نمیشود. یکی
اینکه باعث ناراحتی دیگران نمیشود! مثلاً اگر به
همسرمان بگوییم مبلغی پول به مادرمان یا
خواهرمان کمک کرده ایم احتمال دارد باعث
ناراحتی همسرمان بشود و شاید هم باعث دعوا
بشود که ما خودمان نیاز داریم چرا رفتی کمک
کردی!

أَرْبَعٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ : كِتْمَانُ الْفَاقَةِ ، وَ كِتْمَانُ
الصَّدَقَةِ ، وَ كِتْمَانُ الْمُصِيبَةِ ، وَ كِتْمَانُ الْوَجَعِ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:

:چهار چیز از گنج های بهشت است :

پنهان داشتن ناداری، پنهان داشتن صدقه، پنهان
داشتن مصیبت و پنهان داشتن درد.^۲

نقل است وقتی فقیری نزد میرزای شیرازی می
رفت او کنار فقیر می نشست و پول را در جیب
فقیر می گذاشت که گاه خود فقیر متوجه نمی شد!

در روایت است طوری صدقه بدهید که اگر با
دست راست صدقه می دهید دست چپ نفهمد!

6-بخشنده و سخاوتمند باشید

ادم خوبه سخاوت داشته باشد.بخیل و خسیس
نباشد.

میزان الحکمه جلد دهم^۲
محمّد محمّدی ری شهری
صفحه ۴۹۴

ادمای سخاوتند پیش مردم احترام دارند و ادمای
خسیس و بخیل برعکس حتی گاهی خانواده اش
ارزوی مرگش را دارند!

سوره هل اتی در پی بخشندگی اهل بیت نازل شد

همچنین در پی بخشش انگشتر علی علیه السلام
در حال رکوع، خداوند در سوره مائده ایه ولایت را
نازل کرد.

در روایت است که حاتم طائی که در جاهلیت
زندگی می کرد و خیلی بخشنده بود در قیامت
چون کافر بوده جهنم میره ولی خدا به اتش می‌گه
بترسونش ولی نسوزونش

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:^۳
سخاوتمند به خدا، مردم و بهشت نزدیک است.

پیامبر (ص) فرمود: سخاوتمند به خدا و بهشت
و مردم نزدیک است و از آتش دور می باشد و
بخیل از خدا و مردم و بهشت دور بوده و به جهنم
نزدیک است و جاهل بخشنده بهتر است نزد خدا
از عابد بخیل.^۴

7- اهل عفو و گذشت باشید

^۳ کافی (ط-الاسلامیه) ج 4، ص 40، ح 9 - بحار الأنوار (ط-بیروت) ج 70،

ص 308، ح 37 **السَّخِيُّ قُرَيْبٌ مِّنَ اللَّهِ، قُرَيْبٌ مِّنَ النَّاسِ، قُرَيْبٌ مِّنَ الْجَنَّةِ؛**

^۴ بحار الانوار، ج 73، ص 308، ح 37

کسی که از خطا و اشتباهات دیگران می گذرد ادم
بزرگی است.

چرا خندیدی؟

شخصی اعرابی به مسجد آمد، و گفت:
یا رسول الله در قیامت چه کسی به حساب مردم
رسیدگی می کند؟
پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرمود، الله عزوجل (تبارک و تعالی جل جلاله ربی)
اعرابی خندید !
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: چرا خندیدی؟

گفت: برای این که

«کریم زمانی که به قدرت برسد می بخشد»⁵

بخشنده اگر به قدرت برسد می بخشد!

⁵ مجموعة ورام: 9 / 1، الجزء الأول؛ «قال أعرابي يا رسول الله من يحاسب الخلق يوم القيامة قال: الله عز و جل ! قال :نجونا و رب الكعبة قال و كيف ذاك يا أعرابي قال لأن الكريم إذا قدر عفا».

ادمی که اهل عفو و گذشت هست عزیز میشود.

حقیقتی که در کلام پیامبر خدا (ص) این گونه

منعکس شده است: عَلَيْكُمْ بِالْعَفْوِ؛ فَإِنَّ الْعَفْوَ لَا

يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا عِزًّا، فَتَعَاوَا يَعِزَّكُمْ اللَّهُ⁶. بر شما

باد گذشت؛ زیرا که گذشت جز بر عزت بنده نمی

افزاید. پس از یکدیگر گذشت کنید تا خداوند

شما را عزت بخشد.

امام سجاد(ع) فرمود: اگر مردی به تو از راست

بدی کرد و از طرف چپ غذر خواسته به تو روی

آورد تو از

او قبول نموده و او را عفو نما.

اخلاق محمدی آخوند خراسانی

⁶ الکافی، ج 2، ص 108، ح 5؛ منتخب میزان الحکمة، ج 2، ص 698، ح 4326.

یک شخص سخنرانی بود و به خاطر اختلاف
سلیقه ای که با آخوند خراسانی داشت، در منبر
به ایشان توهین می کرد. این فرد مشکل مالی پیدا
کرد و قصد داشت منزل خود را به فروش رساند.
خریدار گفت به یک شرط منزل شما را می خرم
که آخوند خراسانی آن را تایید کند. این شخص
هم چون چاره ای نداشت با شرمندگی نزد آخوند
خراسانی رفت و گفت که پای قولنامه را امضا
کنند. آخوند خراسانی به ایشان گفتند: "چرا منزل
خود را می فروشید؟" آن شخص گفت که من
گرفتاری پیدا کرده ام و به پول احتیاج دارم.
آخوند خراسانی مقداری پول به او داد و گفت که
خانه خود را بفروش و با این پول مشکل خود را
حل کن.

عفو و گذشت مثال زدنی حضرت یوسف«ع»»

حضرت یوسف«ع» پس از آن همه آزار، اذیت و
ظلمی که از برادران خویش دید، برای اینکه
خجالت نکشند، خطاب به آنان فرمود: امروز هیچ
سرزنشی بر شما نیست، خداوند شما را می آمرزد
و او مهربان‌ترین مهربانان است.^۷ [جالب آن‌که
بعد از استقبال با شکوه از پدر و مادر و برادران،
پدر و مادر را روی تختی باشکوه نشاند و به پدر
خویش، حضرت یعقوب«ع» گفت: آزادی من از
زندان و آمدن شما از صحرای کنعان به مصر،
لطف خداوند است و این لطف خداوند پس از
آنکه شیطان بین من و برادرانم کدورت انداخت،

^۷ یوسف / ۹۲

شامل حال ما شد: «مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَعَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَ
بَيْنَ إِخْوَتِي»⁸

در واقع، علاوه بر عفو و بخشش برادران، برای
آنکه خجالت نکشند و به خاطر اینکه پدر از
فرزندان خویش خرده نگیرد، تقصیر را به گردن
شیطان انداخت و برادران خویش را تبرئه کرد.

8- با دیگران همیشه مهربان باشید

خداوند مهربانی را دوست دارد حتی مهربانی
نسبت به حیوانات را دوست دارد لذا بارها پیش
آمده که یک نفر از بندگان خدا به حیوانی محبت

⁸ یوسف / 100

کرده است خداوند در همین دنیا به او پاداش
داده است.

بر در ب دوم بهشت نوشته است: **لااله الا الله محمد
رسول الله على ولي الله. ان لكل شيء حيلة وحيلة
السروور يوم القيامة اربع خصال .مسح رؤوس اليتامى
والتعطف على الارملة والسعى فى حوائج المؤمنين
والنفقة للفقراء والمساكين.** برای هر کاری چاره‌ای
است و چاره خوشحالی روز قیامت چهار خصلت
است. کشیدن دست مهربانی بر یتیمان. مهربانی بر
بیوه زنان. تلاش در رفع گرفتاری مؤمنان. چهارم
صدقه به فقرا و بیچارگان.^۹

مهربانی با والدین بعد مهربانی با همسر و فرزندان
بعد مهربانی با همسایه ها و مهربانی با زیردستان

^۹ کشف الغمه، علامه اربلی «ره»

و مهربانی با همه مردم. این صفت مهربانی باعث پیشرفت و موفقیت است.

در سحر همان شب، خداوند متعال به آن شخص عنایتی کرد که گفتنی نیست

وقتی یک راننده تاکسی برای خدا به یک زن در رسیدن به مقصدش کمک کرد، آن راننده این توفیق را پیدا کرد که خدمت جناب شیخ رجبعلی خیاط برسد. راننده مزبور در شرح این ملاقات می گوید: پس از سلام و احوال پرسی، شیخ نگاهی به من کرد و از برخی از ویژگیهای من خبر داده، گفتند: «تو شبهای جمعه منتظر هستی. تو هستی.» من در رابطه با ولی عصر علیه السلام برنامه ای داشتم. منظور ایشان از جمله «تو هستی» این بود که در فرج قائم آل محمد علیه السلام تو هم

هستی. با توجه به سوابقی که خداوند به من
مرحمت فرموده بود، با آن سخن شیخ، آن شب
محشری به پا شد. ما گریه کردیم، شیخ هم گریه
کرد. اطرافیان هم گریستند؛ خیلی زیاد. سپس
جناب شیخ فرمود

می دانی چه شد تو آمدی پیش من؟ آن زنِ قد «
کوتاه را که سوار کردی و از او پول نگرفتی، او
دعا کرد در حق تو، و پروردگار عالم دعای او را
در حق تو مستجاب کرد و تو را فرستاد پیش
من.»

دکتر فرزام می گوید: نصیحت جناب شیخ به بنده
هنگام خداحافظی، وقتی می گفتم: جناب شیخ،
امری ندارید؟ توصیه ای ندارید؟ - این جمله بود
احسان به خلق، حتی [احسان] به حیوانات را «
فراموش نکن

یکی از دوستان شیخ می گوید، روزی شیخ به این
جانب فرمود:

شخصی از یکی از کوچه های قدیمی تهران عبور «
می کرد. ناگاه چشمش در داخل جوی به سگی
افتاد که چند بچه داشت. بچه ها به پستان مادر
حمله می بردند ولی مادر از فرط گرسنگی قادر به
شیردادن نبود و از این وضع رنج می برد. او
بلافاصله به دکان کبابی در همان کوچه رفت و
چند سیخ کباب گرفت و پیش آن سگ ریخت...
در سحر همان شب، خداوند متعال به آن شخص
«عنایتی کرد که گفتنی نیست.^{۱۰}»

9- اگر خلاfi کرده اید به هیچکس نگوئید

¹⁰ hawzah.net/fa/Magazine/View/4385/5781/58206

اگر ادم در دورانی مثلا دوران نوجوانی یا جوانی
کار بدی را انجام داده است نباید این را برای
هیچکس حتی همسر یا رفیق خود بگوید.

چون اگر رازش را بگوید در دل مخاطب خود بی
ارزش میشود و احترامش تنزل می کند و دیگر
برای ادم ارزشی قائل نمیشوند. و از طرفی باعث
اشاعه گناه در جامعه میشود و دیگرانی که این
گناه را انجام نداده اند جرعت بر انجام آن پیدا می
کنند. پس اجازه نداریم گناهی را که انجام داده
ایم بازگو کنیم برای هیچکس.

از جمله ی علل کبیره شدن گناه صغیره، اظهار
گناه است؛ زیرا اظهار گناه، کفران نعمت پوشیده
داشتن گناهان است. گاهی همین اظهار گناه باعث
ایجاد رغبت به گناه در دیگران می شود، بلکه

حتی موجب فراهم آوردن اسباب سرور و شادی
می شود، و زشتی عمل از حد می گذرد.

بالاخر این که، صرف اظهار گناه، ملازم با هتک
نوامیس الهی است، اگر چه موجب چیزی از آنچه
گفتیم نشود. لذا از امام رضا علیه السلام رسیده
است که پیامبر خدا فرمودند:

«الْمُسْتَتِرُ بِالْحَسَنَةِ تَعْدَلُ سَبْعِينَ حَسَنَةً، وَ الْمُذِيعُ
بِالسَّيِّئَةِ مَخْذُولٌ، وَ الْمُسْتَتِرُ بِهَا مَغْفُورٌ» (ثواب
الاعمال: ص 179، کافی: ج 2، ص 428) (با کمی
اختلاف در عبارت))

«پنهان کننده کار نیک، عملش معادل هفتاد حسنه است، آشکار کننده کار زشت و گناه، ذلیل و خوار است، و پنهان کننده کار زشت مورد غفران الهی قرار خواهد گرفت».

بله مطلبی هست، و آن این که، گاهی اظهار گناه، بر نفس گران است، ولی با تأسف و حسرت بزرگ دانستن، گناه اظهار می شود، که البته این حکم دیگری داشته، و یک امر ذوقی است که روایات موجود، خلاف آن را به ما توصیه می کنند، که همان پنهان کردن گناه است، نه اظهار آن؛ بنابراین نزدیکتر به احتیاط ترک اظهار گناه است.

البته اظهار گناه برای چاره خواستن و استفتاء از عالم، به هدف رسیدن به کمال، بد نیست، کما این که امثال این رخداد، بر بعضی از مؤمنین در چاره خواستن از ائمه معصومین علیه السلام و بعضی از علماء اعلام اتفاق افتاده، و ایشان هم از این کار نهی نکرده اند.

تعجب نکن! و بدان که بد بودن اظهار گناهان، اختصاص به معاصی دارد، که کسی بگوید من فلان گناه را کرده ام، ولی اظهار کوتاهی و گناهان به طور عموم، با بزرگ دانستن آن ها، و تأسف خوردن، بد نیست، مثل این که کسی بگوید ما در پیشگاه خدا مقصریم، و گناهان بسیاری داریم. بلکه حتی این بزرگان است که خود را در

زمره ی اهل گناه و تقصیر میدانند، مخصوصا در
نوشته هایشان که هنگام یاد کردن از خود، با
القابی چون: گناهکار – عاصی و جنایتکار خود را
معرفی می کنند.^{۱۱}

10- مصیبت‌هایی که برای انسان پیش می‌آید را به کسی نگویید

^{۱۱}منبع: ترجمه ی اسرار الصلوة،
تألیف: عارف کامل میرزا جواد
آقا ملکی تبریزی، مترجم: سید
علی احمدی.

انسان در طول زندگی با مصیبت‌هایی و برو میشود
مانند از دست دادن عزیزان یا دچار دشمن شدن
یا از دست رفتن اموال و سرمایه و...

نباید این مصیبت‌ها را برای دیگران تعریف کند
چون ادم شکست خورده‌ای معرفی میشود.

مومن مانند کوه است و باین مصیبت‌ها تکان نمی
خورد و متزلزل نمیشود و باید ادم خود را همیشه
قوی نشان بدهد. مردم ادمای قوی را دوست دارند
و آنها را ستایش می‌کنند ولی از ادم‌های ضعیف و
ترسو و بزدل و متزلزل بدشان می‌آید.

11-منظم باشیم.

نظم در کارها مومن باعث موفقیت میشود. مثلاً اگر
نظم در غذا خوردن داشته باشیم این نظم در
سلامت انسان بسیار موثر است و بیمار نمی

شویم. ولی اونهایی که در غذا خوردن خود نظم ندارند که متاسفانه خیلی ها اینجور هستند و مثلاً یه روز ناهار را ساعت دو یه روز ساعت سه یه روز ساعت چهار و.. می خورند منتظر زخم معده و غیره باشند.

نظم در خوابیدن. نظم در درس خواندن. نظم در کار کردن. نظم و انضباط در گذاشتن وسایلمون. جوراب و لباس و کتابها و دفترهامون. که هر موقع انها را لازم داشتیم دنبالشون نگردیم!

واقعاً نظم معجزه می کند. وقتی از انسانهای موفق می پرسید که مهم ترین عامل موفقیت شما چی است یکی به نظم در کارها اشاره می کنند.

نظم حضرت امام کم نظیر بوده است

یک بار از همسر امام برنامه روزانه ایشان را پرسیدند، ایشان در پاسخ گفته بود: اگر برنامه یک روزشان را بگویم می توانید در سیصد و شصت ضرب کنید. چون امام مطابق برنامه کارهای خود را انجام می دادند، به اطرافیان نیز در این مورد توصیه می نمودند^{۱۲}.

حتی خواندن نامه ها، مطالعه روزنامه ها و تجدید وضوی امام با نظم خاصی توأم بود. خانم دباج خاطرنشان ساخته است روزی روبروی بیت امام در نوفل لوشاتوی پاریس مشغول پیاده کردن نواری بودیم ناگهان یادم آمد که به خدمت آقا بروم چون وقت تجدید وضویشان بود، رفتم و نظافت کردم و اتفاقاً در لحظه مقرر امام آمدند. آقا همیشه ساعت نه شب شام می خوردند. یک بار فیلمی از سخنرانی شهید مفتاح در مسجد قباب

مجله دانشگاه انقلاب، شماره 75¹².

تهران و راهپیمایی مردم آورده بودند، خواستم به همراه دیگران این فیلم را ببینیم به همین دلیل زودتر از موعد مقرر خدمت امام رسیدیم و بر خلاف معمول که منتظر می ماندم تا ایشان بگویند شام و من آن را ببرم، عرض کردم حاج آقا شام را بیاورم؟ نگاهی به ساعت کردند و فرمودند: تا زمان صرف شام 20 دقیقه باقی مانده است، امام هر شب رأس ساعت 11 به خواب می رفتند و ساعت سه بامداد از خواب بیدار می شدند حتی یک بار هم به یاد ندارم که پنج دقیقه از ساعت مزبور بگذرد یا لحظاتی به آن مانده باشد که ایشان از بستر خواب برخیزند، زیرا تکلیفی از لحاظ حفاظت به من واگذار شده بود که پشت در اتاقی که امام در آن می خوابیدند، باید بخوابم، اتاقشان رو به حیاط بود و خیالم راحت نبود.^{۱۳}

پایه پای آفتاب، ج 1، ص 309 - 308.¹³

برادری نقل نموده است شبی که بنی صدر متواری شده بود اغلب مسؤولان به این موضوع فکر می کردند که چه باید بکنند اما امام در ساعت مشخص رختخواب خویش را پهن نمودند و آماده خوابیدن شدند، اطرافیان گفتند: چنین شده است، فرمودند: آنچه باید بشود، خواهد شد. شما تکلیف خود را انجام دهید بقیه اش دست خداست حالا از این که من بخوابم یا نخوابم که کاری نمی تواند انجام دهم، جز این که کارهایی که باید پس از استراحت انجام دهم دچار نقص و کاستی می شود.

دیدگاه امام در مورد تنظیم وقت این بود که وقتی آدمی به برنامه های خود نظم ببخشد مسلماً وجودش نظم می یابد. این موضوع در زندگی امام کاملاً محسوس بود، آن قدر که وقتی امام در

پاریس اقامت داشت پلیس ها می گفتند ما حتی ساعت های خود را با رفت و آمد امام تنظیم می کنیم. ساعات شبانه روز امام چنان تقسیم بندی شده بود که اطرافیان قادر بودند بدون این که امام را ببینند، بگویند مشغول چه کاری است. امام ساعت هفت صبح صبحانه می خوردند و تا ساعت نه صبح به کارهای مربوط به مسایل ایران رسیدگی می کردند. از ساعت نه تا ده صبح کارهای شخصی را انجام می دادند. از ده الی دوازده ظهر به مصاحبه ها و ملاقات های خصوصی می پرداختند. از دوازده ظهر تا دو بعد از ظهر به برنامه نماز و نهارشان اختصاص داشت و بعد از آن یک ساعت استراحت می نمودند از ساعت سه الی پنج بعد از ظهر به کارهای مرتبط با انقلاب اسلامی در حد وظایف خودشان از قبیل بررسی اخبار و روزنامه های رسیده مبادرت می نمودند.

رسیدگی مجدد به مسایل نهضت اسلامی بعد از
نماز مغرب و عشاء تا ساعت نه شب که موقع
صرف شام بود، ادامه می یافت. بعد از شام تا
ساعت یازده به رادیوهای گوناگون و اخباری که
قبلاً ضبط شده بود گوش می دادند تا آن که زمان
استراحت و خوابشان فرا می رسید^{۱۴}

دکتر بروجردی می گوید یک روز جمعه که هوا
مساعد بود، ایشان مشغول قدم زدن در حیاط
بودند، من و همسرم (دختر امام) روی تختی
نشسته بودیم وقتی قدم زدن امام خاتمه یافت بر
آن تخت و در کنار ما قرار گرفتند. معمول بود که
بعد از قدم زدن دو استکان چای جلوی امام می
گذاشتند، همسرم پرسید که آقا چای بیاورم
خدمتتان؟ به ساعت خود نگاه کردند و فرمودند
چند ثانیه دیگر باقی مانده است. این قدر زمان را

همان مأخذ، ص 310^{۱۴}.

به تصرف در آوردن و از لحظات استفاده کردن
واقعاً موجب شگفتی است^{۱۵}

مقام معظم رهبری نقل نموده اند در جلسه ای
خدمت امام بودیم، بحث به درازا کشید، در این
اثنا ایشان به ساعت خود نگاه کردند و فرمودند
زمان قدم زدنم دیر شد.^{۱۶}

نظم و انضباط شهید بهشتی از زبان همسرش

. همسر ایشان در این باره می گویند: «مرحوم
دکتر بهشتی بسیار منظم بودند. هر چند ایشان
یک مرد سیاسی بودند و در جلسات زیاد شرکت
می کردند، چیزی که من از وی به یاد دارم این
است که امکان نداشت دیرتر از موقع مقرر در

مجله امید انقلاب، شماره 224، خرداد 1369.¹⁵
مجله نور علم، دوره سوم، شماره هفتم، ص 110.¹⁶

جلسه ای حاضر شود و به هر وسیله ای که بود در
ساعت مقرر خود را به محل مورد نظر می
رساندند.» شهید بهشتی می گفت: «ما تا در
کارهای مان نظم نداشته باشیم، نمی توانیم
کارهای مملکت را پیش ببریم»^{۱۷}.

ادمای منظم معمولا در همه اتاقها و حتی آشپزخانه
و حال ساعت دیواری دارند و به ساعت اهمیت
خاصی میدهند. آنها هرچیزی را در جای خودش
قرار می دهند. برای همه ساعتهای شبانه روز
برنامه دارند. و از ادمای بی نظم متنفر هستند!

افراد و جوانان منظم و با انضباط مورد سرزنش
معلم و استاد و مدیر قرار نمی گیرند و معلمین و
اساتید از این شاگردان خوششون می

[http://www.mortezamotahari.com/fa/mohagheghview.html?](http://www.mortezamotahari.com/fa/mohagheghview.html?MohagheghID=52891&SubLevelID=260)
¹⁷ MohagheghID=52891&SubLevelID=260

ایدهمچنین افراد و جوانان با انضباط در محیط
نظامی موفقند. در محیط اداره موفقند در محیط
کارخانه موفقند. در خانه چون سر وقت می آیند
ودیر نمی کنند موفقند و باعث چشم انتظاری و
اضطراب اعضای خانواده نمی شوند. افراد و جوانان
منظم در بین دوستانشان نیز محبوبیت دارند چون
منظمند و دیر نمی کنند.

افراد و جوانان منظم در عبادت ها نیز موفقند
نماز را سر وقت می خوانند. در نماز جماعت دیر
نمی کنند و اول نماز حضور دارند. در نماز جمعه
اول خطبه ها حضور دارند. در مهمانی ها نیز
صاحبخانه را چشم انتظار نمی گذارند و سر وقت
به مهمانی می روند.

افراد و جوانان منظم سر جلسه امتحان به موقع حاضر می شوند. این افراد سر وقت می خوابند و سر وقت بیدار می شوند و معمولاً سحر خیز هستند.

برکات و آثار خوب و فواید نظم بیشمار است. لذا همه جوانان را به عمل کردن به آخرین سفارشات مولای ما امیرالمومنین علی ع دعوت می کنیم که فرمود اوصیکم بتقوی و نظم امرکم همه امورات و کارهای خود را با نظم و انضباط انجام دهید.

12- خوش قول باشید.

خوش قول بودن و به تعدات عمل کردن از مهم ترین راه های موفقیت است.

اگر مردم به عهد و پیمان های خود عمل می کردند وضع بشر اینگونه پراز انحرافات واسیب ها ومشکلات نبود.

اگر بشریت به عهدالهی درعالم ذر عمل می کردو همه خداپرست بودند جهان جور دیگری بود.

اگر مردم کوفه به عهدشان عمل می کردند فاجعه کربلا پیش نمی آمد.اگر صدام به عهدش عمل می کرد جنگ هشت ساله بوقوع نمی پیوست.

اقشار مختلف جامعه اگر به عهد وپیمانهایشان عمل کنند باعث پیشرفت جامعه در ابعاد مادی ومعنوی می گردد.

صنعتگران وصاحبان حِرَف اگر به قولشان عمل کنند کارهای کشورعقب نمی ماند.مسئولین اگر به قولشان عمل کنند کشور در ابعاد مختلف

پیشرفت خواهد کرد و باعث رضایتمندی ملت خواهد شد.

اعضای خانواده مخصوصاً پدر اگر به قولشان عمل کنند در استحکام خانواده نقش خوبی خواهد داشت.

و کلاً یکی از آثار خوش قولی انسانها، تحکیم روابط اجتماعی و ایجاد صمیمیت و محبت خواهد بود و برعکس بدقولی باعث اختلاف و تفرقه و سست شدن روابط اجتماعی و گاهی باعث کینه و دشمنی و خابی های فراوان خواهد شد.

لذا بزرگان دین نسبت به عمل به وعده و قول خود خیلی تاکید داشتند.

پیامبر ص با شخصی در مکانی وعده گذاشت و او نیامد و حضرت سه روز آنجا ماند تا آن شخص

آمد. حضرت فرمود اگر نمی امدی همینجا می
ماندم و همینجا می مردم واز همینجا محشور می
شدم.

حضرت امام به کسی فرمودند فلان پول رو به
فلانی بدهد اتفاقا ان روز ، مساله شهادت فرزند
امام و برگزاری مجلس ختم فرزند امام سید
مصطفی بود.ان شخص خیال کرد امام بخاطر این
مصیبت ماموریتی که به او دادند فراموش کردند
اما امام به او یادآوری کردند که دنبال ماموریت
خودبرود.

شاعری با شخصی وعده گذاشت اتفاقا برف
سنگینی آمد اما شاعر لباس پوشید تابرود
دوستانش گفتند تواین برف بیرون میروی؟ گفت
فقط مرگ می تواند مانع عمل من به قولم گردد.

اولین ضرر بدقولی، بی اعتبار شدن حرف و قول انسان در نزد دیگران خواهد شد. دومین ضرر، باعث اذیت و ناراحتی کسی که به او قول دادیم و عمل نکردیم میشود.

سومین ضرر آثار بدتریتی روی فرزندان میشود و آنها هم احتمالا بدقول می شوند.

چهارمین ضرر بدقولی، حاکم شدن بی اعتمادی به هم در جامعه اسلامی است

13- صبور باشید.

گویند ادم بی صبر مانند ادم بی سر است! از خصوصیات که اگر ادم داشته باشد مصیبتها و سختی ها را برای انسان آسان می نماید صبر است

و این صفت اگر درست بکار گرفته شود به اهرمی
تبدیل می شود که سنگینترین موانع و بزرگترین
مشکلات را با سهولت برطرف می سازد و در یک
جامعه بدبخت کلید همه خوشبختی ها به شمار می
آید

صبر یعنی استقامت داشتن در مشکلات

صبر یعنی تحمل کردن

صبر یعنی در مقابل بدی دیگران،مقابله به مثل
نمودن

صبر یعنی در مقابل گناه،پاکدامنی پیشه کردن و
متقی بودن

صبر یعنی واجبات را انجام دادن

صبر یعنی عجله نکردن

صبر یعنی اگر دعا مستجاب نشد، ناامید نشدن

رسول خدا (ص) فرمود:

((الایمان نصفان نصف صبر و نصف شکر))

ایمان دو نیمه دارد نیمه صبر و نیمه شکر

است.

انسان در دوران زندگی محدود خود با

دشواریها و سختیها و موانع فراوانی بر خورد می

کند که صبر یعنی در برابر همه این موانع مقاومت

ورزیدن و با اراده و عزمی استوار از آنها گذشتن.

صبر توصیه همه پیامبران و رهبران حقیقت

است به جانشینان.

امام پنجم (ع) می فرماید: زمانیکه لحظه وفات

پدرم فرا رسید مرا به سینه خود چسبانیده فرمود:

وصیت می کنم به تو به آنچه که پدرم در حین
وفاتش به من وصیت کرد و او بهم به آنچه
پدرش حسین وصیت کرد که ای فرزند صبر بر
حق کن اگر چه تلخ باشد

علی (ع) فرمود: صبور به پیروزی می رسد اگر
چه زمان طولانی شود.

صبر عجیب شیخ علی زاهد قمی

فرزندش در نجف از دنیا رفت و او گریه وزاری
نکرد . زمانی که از دفن او بر می گشت ، خبر
درگذشت فرزند دیگرش ، شیخ شریف از ایران
رسید پس او به سجده افتاد و شکر خدا را نمود
و برای هردو مجلس فاتحه گذاشت و بر این
مصیبت و بلا خدا را سپاس می گذارد . زیرا
اعتقادش آن بود که این ، آزمایش بندگان و پاک

شدن گناهان است . صبر و بردباریش در بیماری
اخیر او - که منجر به وفاتش شد به این اعتقادش
به خوبی گواهی داد .

او به بیماری سختی در مجرای ادرارش دچار شد
و پس از عملی ناکارآمد ، برای اومجرای ادراری از
خاصره اش ساختند و چندبار برای معالجه به ایران
آمد اما درمان مفید و کارساز نیافتاد . و در بستر
بیماری خفت و مرضش نزدیک ده سال به درازا
کشید . در این زمان علماء و فضلا و دوستارانش
و سایر مؤمنین به دیدار او می رفتند ولی کسی از او
در خلال این مدت طولانی ، کلمه ای گلایه و
شکایت و اظهار ناراحتی و دلتنگی مطلقا نشنید
بلکه زبانش همواره به حمد و شکر الهی و رضایت

به قضای خداوندی گویا بود تا آنکه به سرای باقی
شتافت^{۱۸۰}

**گاهی صبر درمقابل عجله است. عجله باعث میشود
ادم شکست بخورد.**

باید بدانیم که برای هر کار مقدماتی است که اگر
فراهم نگردد، اقدام به آن کار بی نتیجه خواهد
ماند و اگر فراهم گردد و اقدام نشود و فرصت‌ها
از دست برود، باز هم بی نتیجه خواهد ماند. افراد
هوشیار و مدیر و مدبر کسانی هستند که با صبر و
حوصله در انتظار فراهم شدن مقدمات می‌باشند که
بعد از فراهم شدن، بدون درنگ اقدام به انجام کار
می‌کنند و تا رسیدن به مقصود از پای نمی‌نشینند.

(1) ¹⁸ آقابزرگ تهرانی، نقباء البشر: ج 4، ص 1325.

خسارات عظیمی که از ناحیه شتابزدگی
بی‌مورد، دامن افراد یا اجتماع را می‌گیرد، بیش از
آن است که به حساب آید. قرآن مجید به عنوان
یک برنامه جامع زندگی، همه‌انسان‌ها را به «صبر» و
بردباری و پرهیز از «عجله و شتاب» دعوت می‌کند
و با اشاره به داستان‌های انبیاء و سرگذشت
رهبران بزرگ جامعه انسانی، زیان‌های عجله و
ثمرات شیرین صبر و بردباری را آشکار می‌کند.

که فرمود: **و بشر الصابرين**^{۱۹}

خدا فرمود به افراد صبور بشارت بده.

حضرت محمد صلی الله علیه و اله می‌فرمایند: «انما
اهلک الناس العجله ولو ان الناس تثبتوا لم یهلك
احد، عجله و شتاب مردم را هلاک کرده و اگر

¹⁹ بقره 155

مردم دارای تانی و خویشتن داری بودند، هیچ
کس به هلاکت نمی رسید^{۲۰}

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرمایند: «مع
العجل یكثر الزل، لغزش های انسان با عجله
افزایش می یابد^{۲۱}

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «مع الثبت
تكون السلامة و مع العجلة تكون الندامة، همراه
تانی و خویشتن داری، سلامت است و همراه عجله
ندامت^{۲۲}

از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که
فرمود: من استطاع ان یمنع نفسه من اربعة اشياء
فهو خلیق بان لا ینزل به مکروه ابدًا قیل و ما هی؟

^{۲۰} بحار الانوار، ج 68، ص 340.

^{۲۱} غرر الحکم، ج 9740

^{۲۲} بحار الانوار، ج 68، ص 338

قال:العجلة و اللجاجة و العجب و النوانى، كسى كه
بتواند خويشتن را از چهار چيز باز دارد، سزاوار
است كه هرگز امر ناخوشايندى براى او رخ ندهد.
سؤال كردند، آن چهار چيز چيست؟

فرمودند:عجله، لجاجت، خوديى و تبلى^{۲۳}

اما در چند جا عجله خوب است يكى در امر خير
مانند ازدواج

حضرت على عليه السلام فرمود

بَادِرُوا الْعَجَلَ الْخَيْرَ قَبْلَ أَنْ تَشْغَلُوا عَنْهُ بغيره^{۲۴}

در انجام كار خوب شتاب كنيد پيش از آن كه به
سبب پرداختن به كار ديگر از آن باز مانيد.

حضرت على عليه السلام فرمود

²³ بحار الانوار، ج 75، ص 43

²⁴ منتخب ميزان الحكمه، ج 1، ص 344

اِذَا هَمَمْتَ بِخَيْرٍ فَبَادِرْ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا يَحْدُثُ²⁵

اگر تصمیم به کار خیری گرفتی زود انجام بده،
زیرا تو نمی دانی چه اتفاقی خواهد افتاد

قرآن مجید در آیات متعددی، مؤمنان را به
سرعت در خیرات و پیشی گرفتن از یکدیگر
دعوت می کند، در توصیف جمعی از مؤمنان
راستین می فرماید

يَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنْ ...²⁶
الصَّالِحِينَ

آنها کسانی هستند که در انجام کارهای نیک
سرعت گرفته و بر یکدیگر پیشی می گیرند و آن
ها از صالحانند

²⁵ کافی، ج 2، ص 142

²⁶ آل عمران/ 114

یا در توصیف جمعی از پیامبران بزرگ، مانند

:«زکریا و یحیی» می فرماید

...أَنَّهُمْ كَانُوا يَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ^{۲۷}

..آنها در کارهای خیر به سرعت اقدام می کردند

:یا در شرح صفات برجسته مؤمنان آمده است

أُولَئِكَ يَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ^{۲۸}

آنها در کارهای نیک به سرعت اقدام می کنند و

از دیگران پیشی می گیرند

این مسأله به عنوان یک دستور عام خطاب به همه

:مؤمنان آمده است

وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا

السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ^{۲۹}

^{۲۷} انبیاء / 90

^{۲۸} مؤمنون / 61

شتاب کنید و پیشی بگیرید برای رسیدن به
 آمرزش پروردگارتان، در راه رسیدن به بهشتی
 که وسعت آن به اندازه آسمان ها و زمین است
 . که برای پرهیزکاران آماده شده است
 این معنا در آیه دیگر با عنوان مسابقه در خیرات
 : مطرح شده است
 ... فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ...³⁰
 در نیکی ها (و اعمال خیر) بر یکدیگر سبقت
 جوئید.

یکی در دفع شر:

²⁹ آل عمران/ 133

³⁰ بقره/ 148

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «العجلة مذمومة فی کل امر الا فی ما يدفع الشر، عجله در هر کاری نکوهیده است، مگر در مقام دفع شر» 31

یکی هم در نماز و نماز جماعت و نماز جمعه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمٍ

الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ

لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٩﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید چون برای نماز

جمعه ندا در داده شد به سوی ذکر خدا بشتابید و

داد و ستد را واگذارید اگر بدانید این برای شما

بهتر است (جمعه ایه 9)

14- امین باشید.

امانت داری و خیانت نکردن از عوامل موفقیت
است.

مردم ادم امانت دار و امین را دوست دارند و
برعکس همه از افراد خائن متنفرند.

مولی امیرالمؤمنین (علیه السلام):

رَأْسُ الْإِسْلَامِ الْأَمَانَةُ.

امانت داری اساس و پایه اسلام است.³¹

³¹ (فهرست غرر، ص ۲۶)

همه پیامبران و امامان و انسانهای خوب، امین بوده
اند و هرگز خیانت نمی کردند.

انواع خیانت:

1-خیانت مالی

اگر مسئولین خیانت کنند مثلاً اختلاس کنند و
اموال بیت المال را برای خود ببرند جامعه دچار
اضمحلال و شکست خواهد شد. و مردم دیگر
اعتمادی به حکومت نخواهند داشت.

چقدر در دادگاه های ما پرونده خیانت در امانت
وجود دارد. که نشان می دهد عده ای مثل آب
خوردن در اموال دیگران خیانت می کنند.

2-خیانت ناموسی

انسان نباید هیچگاه به ناموس دیگران خیانت کند. چون اگر خیانت کند در همین دنیا رسوا شده و عاقبت به شر می گردد و در قیامت هم جایش در عذاب جهنم است.

اگر در اینترنت جستجو کنید پر از قتل و جنایت هایی که ریشه اش خیانت بوده است.

مثلا زن شوهر دار با مردی بیگانه رابطه برقرار کرده بعد شوهر را می کُشند! و امثال این پرونده ها.

3-خیانت به کشور

کسانی که به کشورشان خیانت می کنند مانند اینهایی که در ماهواره های اونور اب علیه کشورمان برنامه اجرایی کنند. انهایی که جاسوس امریکا و اسرائیل و دیگر دشمنانمان می

شوند. انهایی که اسرار نظامی را به دشمن می دهند. انهایی که مامور ترور دانشمندان و نخبگان و مسئولین ما هستند.

این نوع خیانت از دیگر خیانتها، بزرگتر بوده و عذابش هم زیادتر است.

یک داستان:

مرد چوپان و گوسفندان یهودیان

سال هفتم هجری پیامبر (ص) همراه هزار و

ششصد نفر سرباز برای فتح قلعه خیبر که در 32

فرسخی مدینه قرار داشت روانه شدند. مسلمانان

در بیابان های اطراف خیبر مدتی ماندند و

نتوانستند قلعه های خیبر را فتح کنند.

از نظر غذایی در مضیقّه سختی قرار داشتند به

طوری که بر اثر شدت گرسنگی، از گوشت

حیواناتی که مکروه بود، مانند گوشت قاطر و اسب

استفاده می کردند.

در این شرایط، چوپان سپاه چهره ای که

گوسفندان یهودیان را می چراند، به حضور پیامبر

(ص) آمد و مسلمان شد، و سپس گفت: این

گوسفندان مال یهودیان است در اختیار شما می

گذارم.

پیامبر (ص) با کمال صراحت در پاسخ او فرمود:

این گوسفندها نزد تو امانت هستند، و در آئین ما

خیانت به امانت جایز نیست، بر تو لازم است که

همه گوسفندان را به در قلعه ببری و به

صاحبانشان بدهی.

او فرمان پیامبر (ص) را اطاعت کرد و گوسفندان

را به صاحبانشان رساند و به جبهه مسلمین

بازگشت.

15- خوش حساب باشید

خوش حسابی یکی از شعبه های امانت داری است. اگر قرض گرفتید سر موعد برگردانید تا شریک مال مردم بشوید. هیچوقت در پرداخت قرضی که گرفته اید تاخیر نکنید تا هم آبروی شما حفظ شود هم در آینده اگر باز نیاز به قرض پیدا کردید به شما قرض بدهند.

خلاصه قرض الحسنه باشد نه قرض الپس نده!

16- رفیق بد نداشته باشید.

با ادمای خوب رفاقت کنید و از دوستی و رفت
وامد با ادمای بد دوری کنید. تا مورد اعتماد مردم
قرار بگیرد و از شر دوستان بد درامان باشید.
شنیدید که اکثر معتادها گفته اند رفیق مارو معتاد
کرد!

خانمی می گفت مشکلات خانوادگی داشتم دوستم
که ارایشگر هست گفت شیشه بکش تا غصه هاتو
فراموش کنی! و من هم به حرفش گوش کردم و
معتاد شدم!

یا دزدها گفته اند رفیق بد مارا به این راه کشاند!

17- تنبل نباشید.

یکی از مهم ترین موانع موفقیت هر انسانی، تنبلی است.

ادم باید در هر کاری زرنگ باشد. چه کارهای دنیوی و چه کارهای اخروی. در کار کردن. در اداره زندگی. در درس خواندن. در استفاده از عمر ..

کسانی که در دنیا تنبلی کنند و خود را از توفیقات فراوان محروم نمایند در جهان دیگر حسرت فراوان خواهند خورد و شاید بخاطر تنبلی دستورات الهی را انجام نداده و از رفتن به بهشت محروم گردند.

انسان با تنبلی به اهدافش نمی رسد

امام علی(ع) در این باره می‌فرماید:

مَنْ دَامَ كَسَلُهُ خَابَ أَمْلُهُ، کسی که پیوسته تنبلی
کند، در رسیدن به آرزویش ناکام ماند^{۳۲}

امام محمد باقر(ع) می‌فرماید

إِيَّاكَ وَ الْكَسَلَ وَ الضَّجَرَ فَإِنَّهُمَا يَمْنَعَانِكَ مِنْ
حَظِّكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، از تنبلی و بی‌حوصلگی
پرهیز زیرا که این دو خصلت تو را از بهره دنیا و
آخرت باز می‌دارند.^{۳۳}

ضررهای تنبلی در جامعه

». (تصنیف غررالحکم و دررالکلم

ص 463، ح 10627³²

کافی ج 5، ص 85، ح 2³³

تنبلی علاوه بر ضرر به افراد، به جامعه هم ضرر می زند. مثلاً کارگری که تنبل باشد و از کار بزند یا کارمندی که تنبل باشد و کار مردم را درست انجام ندهد یا پلیسی که بجای رفتن به مأموریت به محلی برای استراحت برود و امثال این موارد که باعث می شود جامعه دچار مشکلات فراوان شود و نارضایتی بین مردم ایجاد شود و بعد مساله امنیت کشور به خطر بیافتد

از جمله موارد تنبلی ویکی از بیماری های جامعه ما، بیماری تنبلی اجتماعی است. یعنی اکثر امیل دارند که شغل راحت و کم زحمت داشته باشند. اکثر فارغ التحصیل های کشور بدنبال استخدام دولتی هستند و بعضی از آنها حاضرند

نگهبان یا سرایدار اداره باشند زیرا کارشان کم
رحمت و درآمدشان تضمین شده است.

نوع دوم تنبلی در مسائل معنوی است. با اینکه
خدا انسان را برای رسیدن به مراحل بالای معنوی
خلق کرده است ولی تعداد کمی به این مراحل
دست پیدا می کنند و بقیه در همان مرحله اول
معرفت می مانند چون تلاش نمی کنند.

بقول معروف چون گدا کاهل بود تقصیر
صاحبخانه چیست؟ با اینکه زمینه برای بالا بردن
معرفت و معنویت است اما چرا اکثر مردم درجه
پایینی از معرفت دارند؟ چون تنبلی نمی گذارد
سحر خیز شوند. تنبلی نمی گذارد درباره عبادت و
معرفت قدمهای بلندتری بردارند.

همسایه مسجد هست ولی تنبلی نمی گذارد در
نماز جماعت حاضر شود. در کنارش جلسات دعا
برپا میشود ولی یکبار هم شرکت نکرده است!

به برکت نظام اسلامی راه های رسیدن به خدا
هموارتر شده و اینهمه جلسات دینی و کتابهای
معرفتی در اختیار است. باید جوانان نهایت
استفاده را بنمایند.

داستان اویس قرنی را شنیده اید که با اینکه
چوپان بود و در بیابان زندگی می کرد ولی
عبادتش خیلی زیاد بود بطوری که شب بخودش
می گفت امشب شب سجده است و تا صبح در
یک سجده بود یا امشب شب رکوع است و تا
صبح در یک رکوع و.. و می گفت اگر عمر دنیا

یک شب شود دوست دارم ان شب را تا به صبح
در سجده باشم.^{۳۴}

مواظب باشیم مبدا تنبلی جلو پیشرفت مادی و
معنوی ما را بگیرد

ادم تنبل مسواک نمی زند پس دندانهایش زود
خراب می شود!

ادم تنبل با اینکه نیاز به دستشویی دارد ولی تا
آخرین لحظه! تنبلی می کند پس مبتلا به سنگ
مثانه و پروستات می شود!

³⁴ تفسیر قمی، ص 239

ادم تنبل با اینکه گرسنه است و غذا تو آشپزخانه
هست ولی تنبلی نمی گذارد خود را سیر کند پس
مبتلا به دردهای معده می شود!

ادم تنبل زیاد می خوابد پس مبتلا به دردهای
مختلف ناشی از پر خوابی همانند دردهای قلب و
سردرد و غیر میشود!

ادم تنبل شاید استعداد های زیادی دارد ولی
بخاطر تنبلی همه آنها هرز می رود و ادم تنبل که
می توانست نابغه شود به ادم معمولی و زیر
معمولی می ماند!

ادم تنبل معمولاً تنها می ماند و دوستی و رفیقی
ندارد!

حتی اهل مطالعه نیست تا بر معلومات خود
بیفزاید!

ادم تنبل چون حاضر نیست بازار برود و نیازهای
خوراکی و غیره خانواده را فراهم کند، باعث
ناراحتی پدر و مادر یا همسر خود میشود و شاید
کار به طلاق بکشد!

همسر تنبل!

آقایی می گفت همسرم تا ظهر می خوابد! من وقتی
خانه می آیم می بینم نه غذا درست کرده! نه خانه
را نظافت کرده! نه لباسم را شسته! من با این زن
تنبل و پر خواب چه کنم؟

بعضی نماز خوان ها انقدر تنبل هستند، بعد
نماز،،، مهر نماز را بر نمی دارند!!

18- چشم پاک باشید.

ادمی که نگاه بد به نامحرم نمی اندازد (فرقی ندارد مرد به زن نامحرم نگاه ناجور بکند یا زن به مرد نامحرم نگاه حرام داشته باشد) موفق است چون بسیاری از گناهان و خلاف ها و مشکلات از نگاه ناجور به نامحرم بوجود می آید.

اگر از جوانی عادت کنیم به نامحرم نگاه بد نکنیم این تا آخر عمر برایمان یادگار می ماند و از خیلی از فتنه ها و شرها نجات می یابیم.

باید بدانیم که هر نگاه بدی که بکنیم حتی زیر چشمی! خداوند ان را می بیند.

يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ؛

❏ چشم‌هایی را که به #خیانت می‌نگرد و آنچه

را سینه‌ها پنهان می‌دارند، می‌داند. [غافر؛ 19]

✓ یادمان باشد... هیچ زیر چشمی، مخفی نیست!

ایه الله شیخ رحیم ارباب گفتند سالها در یک خانه

با خواهرزنم زندگی می‌کردیم ولی حتی یکبار به

صورت خواهر زنم نگاه نکردم.

19- وفادار و جوانمرد باشید.

وفاداری جزو فطرت هر آدمی است و انقدر

مهم است که خدا خود را وفادارترین می‌داند. و

بزرگان دین گفته‌اند کسی که وفادار نیست دین

ندارد.

ملتی که وفادار باشند ملت موفق‌ی در زمینه
مادی و معنوی خواهند بود و مردمی که مانند
کوفیان بی وفا باشند همیشه دچار هرج و مرج و
بدبختی و عقب ماندگی خواهند بود.

ادم وفادار تا آخر وفادار می ماند. و وسوسه ها او را
از وفاداری باز نمی دارد.

مردی که به همسرش وفادار است اگر زنش
بیماری سختی مانند سرطان یا ام اس بگیرد او را
رها نمی کند.

زنی که وفادار است همچنین در بحران ها
،شوهرش را رها نمی کند و تا آخر با شوهرش و
کنار او می ماند.

فرزندی که وفادار است هیچگاه تا آخر عمر
پدر و مادر خود را رها نمی کند و هرگز آنها را تنها
نمی گذارد.

سربازی که وفادار است همانند حضرت
عباس(ع) تا آخر با فرمانده اش می ماند و حتی
اگر پیشنهادهای فریبنده از دشمن به او بشود
هرگز دست از فرمانده اش بر نمی دارد.

ورزشکاری که وفادار است برای پول بیشتر
کشورش را رها نمی کند و در خدمت اجنبی قرار
نمی گیرد.

پزشک وفادار همچنین.

بنده ای که وفادار است خدای مهربانش را هرگز
رها نمی کند و با او قطع رابطه نمی نماید.

ابلیس وفادار نبود و خدا را بعد از اون همه عبادت
که می گویند هزاران سال خدا را عبادت می
کرد، ولی خدا را رها کرد و دشمن او شد.
و پیروان ابلیس هم همه لشکر بیوفایان هستند!
وفاداری به امام در ردیف وفاداری به خداوند
است.

بدا به حال کسانی که به امام خود بی وفایی کردند
همانند طلحه و زبیر ها!

در زمان ماهم کربوبی و موسوی به امام خود بی
وفایی کردند و باعث مشکلات زیادی برای اسلام
شدند خداوند آنها را نیامرزد!

دیگر از بی وفایی و خیانت منافقین چیزی نمی
گویم که انقدر خیانت و جنایت کردند که کمتر

سازمانی در جهان پیدا میشود که در کشتن و
شکنجه بیگناهان و فساد اخلاق و خیانت به
کشورشان به پای سازمان منافقین به رهبری
جنایتکار بزرگ تاریخ مسعود رجوی برسد.

تبصره: وفاداری در کارهای خوب درست است
ولی وفاداری در کارهای بد، درست نیست! مثلاً به
دوستان بد وفادار ماندن معنی ندارد! به باندهای
خلاف وفادار ماندن درست نیست. و...

20- خوش گمان باشید

ادم باید خوش گمان باشد و تا خلافتش ثابت نشده
همچنان به دیگران یعنی خانواده خود، دوستان
خود، همسایه خود و دیگر مومنین خوش گمان
باقی بماند.

آثار بدگمانی:

و وقتی بد گمانی و بد دلی حاکم شد.

فرد، بد پندار (غررالحکم / 7960) و بد باطن می شود. (غررالحکم / ج 8837)

نسبت به دیگران زیاد غیبت و بدگویی می کند. (غررالحکم / ج 8094)

از همگان گریزان است. (غررالحکم: ج 9084)

جای آشتی با هیچ دوستی را باقی نمی گذارد. (غررالحکم / ج 8950)

به دیگران اطمینان نمی کند و اطمینان دیگران را از خود سلب می کند (کنز الفوائد / ج 2 / ص 182)

ادمای بدگمان، آرامش ندارند. و همه چیز را تاریک و سیاه می بینند. همه را بد می دانند. همه را دزد

می دانند! همه را خائن می دانند. وقتی درباره گروهی قضاوت می کنند معمولا قضاوت نادرست می کنند. هرکسی کار خوبی می کند در ذهن خود او را متهم به نیت نادرست می کنند مثلا می گویند از روی ریاکاری این کار را می کند. یا هدفش چیز دیگری است ..

21-زبانان پاک باشد

این زبانی که ما داریم وسیله ای است که می تواند بهترین سخنهارا بگوید و با زبانش ایجاد محبت و صمیمیت کند . افرادی را هدایت نماید . علم بیاموزد . نصیحت کند . با خدا راز و نیاز نماید و دهها کار مفید انجام دهد .

ومی تواند با زبانش به کارهای زشت سفارش کند
. ایجاد دشمنی نماید . اسرار دیگران را فاش کند .
به دیگران ناسزا و دشنام بگوید و دهها گناه انجام
دهد .

گناهایی که با زبان میشود انجام داد از هفتاد گناه
بیشتر است! همین زبان چند مثقالی عامل خیلی از
جنگها و جنایتها و گناهان می تواند باشد.

ادم موفق کسی است که زبانش رو صد درصد
کنترل می کند تا باعث شری نشود یا مشکلی
برایش درست نشود. خانمی می گفت ازدواج
کرده ام. یه روز از دهنم پرید و به شوهرم گفتم
قبلا با کسی بوده ام! حالا شوهرم پاشو کرده تو یه
کفش که باید برم پرینت پیامهاتو با اون مرد از
مخابرات بگیرم!

نباید ادم همه اسراری که در سینه دارد به زبان
بیاورد. حتی برا همسرش یا رفیقش. والا گاهی
سری رو فاش می کنیم و بعد مشکلات بزرگی
پدید می اید.

همیشه پشت سر دوستانمان خوب بگوییم و از
انها تعریف کنیم. و عیب انها را برملا نکنیم. آبروی
افراد را نبریم و همکاران خود را نکوییم! و همیشه
از خوبی انها بگوییم. این راه موفقیت است.
هیچوقت دروغ نگوییم که رسوایی پشت سر داره

الان در محل کار مشغول خدمتم!

روزی داشتم با فرماندار جایی می رفتم یک دفعه
فرماندار گفت بین بخشدار داره جلوتر از ما
میرود بذار زنگ بش بزنم بگویم کجا
هستی؟ فرماندار بش زنگ زد و گفت فلانی الان

کجایی؟ بخشدار گفت الان در محل کار مشغول
خدمتم! بیچاره خبر نداشت پشت سرش داریم می
ایسیم.

22- دست بخیر باشید

ادم باید دست بخیر باشد. یعنی اگر مسجد پول
لازم داشت کمک کند. اگر فامیلی پول لازم داشت
کمک کند. اگر فقیری درخواست کمک کرد،
کمک کند. خلاصه همیشه در کمک کردن از
دیگران سبقت بگیرد و پیشقدم باشد.
اگر بتواند با وساطت و سفارش کردن مشکل یک
نفرو حل کند حتما این کار را انجام دهد.

اگر همسایه عروسی یا مراسمی دارد به او کمک کند. اگر برای فامیلی گرفتاری پیش آمده تا آنجا که می تواند در حل مشکلش تلاش کند.

23- پول پرست نباشید

ادم نباید پول پرست باشد بلکه پول رو فقط یک وسیله بداند. پول هدف نباشد چون اگر پول پرست شدیم عاقبت به شر می شویم. چه افرادی که اول ادم خوبی بودند ولی بخاطر پول پرستی دست به جنایت زدند و جهنمی شدند.

گویند وقتی شمر لعین روی سینه امام حسین نشست تا امام را شهید کند امام پرسید تو که من را می شناسی که فرزند زهرای مرضیه و علی

مرتضی هستم چرا مرا می کشی؟ شمر جواب
داد: برای پول جایزه!^{۳۵}

خداوند داستان قارون رو در سوره قصص آورده
است که او اول جزو اصحاب حضرت
موسی(ع) بود ولی بخاطر پول پرستی جزو دشمنان
موسی نبی شد و عاقبت به شر گردید.
شاید اگر وی پولدار نبود مومن باقی می ماند.
همچنین خداوند در سوره توبه به مرتد بودن
فردی اشاره می کند که پول باعث نفاق و
ارتدادش شد شاید اگر وی پولدار نبود مومن باقی
می ماند.

³⁵ <http://www.qudsonline.ir/news/317858>

بعضی می گویند فقط پول کار انسان را راه می
اندازد! و پول حلال مشکلات است! ولی این شرک
است. و فقط خداوند حلال مشکلات است.

چه بسیار آدمهای ثروتمندی که پول زیادی دارند
ولی خوشبخت نیستند یا بخاطر بیماری صعب
العلاج یا فرزندان خیلی بد یا مشکلات روحی و
غیره احساس خوشبختی نمی کنند.

اسلام میگه ادم زرنگ کسیه که اگر ثروت داره
مقداری برای زندگی خودش خرج می کنه و بقیه
رو در راه خدا خرج می کنه.

اما کسانی که پول دوستند هرگز سکه ای در راه
خدا خرج نمی کنند. اینها افرادی هستند گاه برای
بدست آوردن پول ادم می کشند حتی رفیق خود را

رفیق پول پرست دوستش را کشت تا 100

میلیون به جیب بزند ///

قتل پسر دایی به خاطر پول نهار! - عصرایران
قتل مادر 30 ساله به خاطر یک مشت پول+عکس

قتل دوست به خاطر پول!

قتل خاله به خاطر سرقت پول و طلا!

همین کرمانشاه سر دویست هزار تومن ادم
کشتند

مرد جوانی که به خاطر هزینہ درمان پای یک
سگ زن جوانی را به قتل رسانده بود به اتهام خود
اعتراف کرد.

قتل؛ تنها به خاطر یک میلیون پول! - افکار نیوز

قتل پدر ثروتمند برای پول - ایران آنلاین
قتل فجیع پدر 62 ساله توسط پسر 44 ساله به
خاطر پول - نوداد

قتل فجیع پدر 62 ساله توسط پسر 44 ساله به
خاطر پول - نوداد

مرد 46 ساله همسرش را بخاطر پول خفه کرد...
وهزاران مورد قتل و جنایت و دعوا و اختلاف همه
سرپول!

اولین سکه ای که در کره زمین ضرب شد ابلیس
ان را گرفت و روی قلبش گذاشت و گفت با
وجود محبت بتو دیگه کسی رستگار نمیشود!

نباید همه چی ادم پول باشد! پول را در خدمت خانواده و فامیل و دوستان و نیازمندان قرار دهیم هیچوقت بخاطر پول با فامیل بخصوص پدر و مادر و برادر و خواهر و فرزندان و همسر، قطع رابطه نکنیم. هیچوقت بخاطر پول با کسی دعوا نکنیم. هیچوقت بخاطر پول آبروی افراد را نبریم. حتی اگر می خواهیم به شخصی کمک کنیم با نهایت احترام کمک کنیم که تحقیر و شرمنده نشود. در کمک به نیازمندان کمیت مهم نیست بلکه کیفیت مهم است. که در نزد خداوند نیت شخص کمک کننده مهم است نه مقدار پولی که کمک کرده است. مواظب باشیم که از ابتدای سالی که درآمد پیدا می کنیم برای خود سال خمسی قرار دهیم و هر سال خمس خود را بپردازیم تا سهم امام زمان

علیه السلام و سهم سادات فقیر را پردازیم و
همیشه لقمه حلال استفاده کنیم.

24- متواضع و فروتن باشید

تواضع در مقابل دیگران یک هنر است. باعث جلب
محبت میشود. باعث موفقیت در کارها می گردد.

شاعر گوید:

تواضع سر رفعت افرازدت تکبر بخاک اندر

اندازدت

هرچقدر مقام و موقعیت انسان بالا برود باید
فروتنی و تواضع انسان بیشتر شود. هرچقدر علم
و دانش بیشتر شود باید متواضع تر باشیم.

گفتار خدا با موسی(ع):

مرويست که خداوند به موسی(ع) وحی فرمود:
هرگاه برای مناجات آمدی کسی که خودت را از
او بهتر و بالاتر می دانی همراهت بیاور.

موسی(ع) هر فردی از بشر را که نگریست
جرأت نکرد بگوید من از او بهترم . پس بشر را
رها کرده و در اصناف حیوانات ملاحظه نمود تا
رسید به سگ جرب داری با خود گفت این را
همراه می برم . بندی بگردن سگ بست و همراه
آورد چون قدری راه رفت پشیمان شد بند را باز
کرد و سگ را رها نمود . و چون بمحل مناجات
رسید خداوند فرمود: کجا است آنچه به تو امر
کردیم. گفت : خداوندا کس را نیافتم خداوند

فرمود: بعزت و جلالم اگر کسی با خودت آورده
بودی نامت از لیست پیامبران حذف می کردم^{۳۶}

افرادی بوده اند که تا به یک پست و مقامی
رسیده اند متکبر شده اند! اینها پیش خدا ارزشی
ندارند و خداوند از اینها بدش می آید و در دل
مردم هم جایگاهی ندارند و مردم از این افراد
متکبر متنفرند!

تکبر علی بن یقطین نسبت به ساربان:
درباره علی بن یقطین آمده است که وی وزیر
هارون الرشید بوده اما باطنا مرید و شیعه امام
هفتم بود. روزی یکی از مؤمنین بنام ابراهیم جمال
خواست خدمت علی بن یقطین برسد چون شعل

³⁶ خویبها و بدیها بخش تواضع

ابراهیم ساربانى بود على بن يقطين وزير او را راه
نداد و اتفاقاً در همانسال على بن يقطين به حج
مشرف شد. در مدينه خواست خدمت موسى بن
جعفر(ع) شرفياب شود حضرت او را راه نداد
روز دوم در بيرونى خانه على با آنحضرت ملاقات
نمود و عرضه داشت كه اى سيد من تقصير من چه
بود كه مرا راه نداديد فرمود: به جهت آنكه راه
ندادى برادرت ابراهيم جمال را و حق تعالى امتناع
فرمود از آنكه حج تو را قبول فرمايد مگر بعد از
آنكه ابراهيم تو را عفو نمايد.

على گفت اى سيد و مولای من ابراهيم را من در
اينوقت كجا ملاقات كنم من در مدينه ام و او در
كوفه است حضرت فرمود: هر گاه شب داخل
شود تنها برو به قبرستان بقيع بدون آنكه كسى از

اصحاب و غلامان تو بفهمد. در آنجا شتری زین
کرده خواهی دید آن شتر را سوار می شوی و
بکوفه می روی. علی بن یقطین شب به بقیع رفت
و همان شتر را سوار شد به اندک زمانی در خانه
ابراهیم جمال رسید شتر را خوابانید و در را کوبید
ابراهیم گفت کیست؟ گفت علی بن یقطین .
ابراهیم گفت علی بن یقطین در خانه من چه می
کند . فرمود: بیرون بیا که امر من عظیم است و
قسم داد او را که اذن دخول دهد چون داخل شد
گفت ای ابراهیم آقا و مولی امتناع فرمود که عمل
مرا قبول فرماید مگر آنکه تو از من بگذری گفت
خدا تو را بیامرزد علی بن یقطین صورت خود را
بر خاک گذاشت و ابراهیم را قسم داد که پا روی
صورت من گذار و صورت مرا زیر پای خود بمال .
ابراهیم امتناع نمود علی او را قسم داد که چنین

کند. پس ابراهیم پا بر صورت علی یگذاشت و رخ
او را زیر پای خود بمالید و علی می گفت خدایا تو
شاهد باش پس بیرون آمد و سوار شد و همانشب
بمدینه برگشت و شتر را بر در خانه حضرت
موسی بن جعفر (ع) خوابانید. آنوقت حضرت او را
اذن داد و بر آنجناب وارد شده حضرت از او قبول
فرمود.

25- یاور مظلوم باشید

در زندگی سعی کنید همیشه یاور مظلوم و دشمن
ظالم باشید.

در خیلی از خانواده ها ظلم اتفاق می افتد. گاهی
پدر به فرزندان ظلم می کند. گاهی مادر ظلم
می کند. گاهی فرزندان بهم یا به والدین خود ظلم
می کنند.

مادری می گفت وقتی شوهرم مرحوم شد پسر
گفت خانه رو به اسمم بکن! منم خانه رو به اسمش
کردم. ولی الان مرا از خانه بیرون کرده و من
نمیدانم کجا بروم!

جوانی می گفت بعد از فوت پدرم، دایی من مادرم
را با تهدید دفتر اسناد برد و خانه رو به اسم
خودش کرد. حالا دایی می گوید اگر می خواهید
تو این خانه زندگی کنید باید پول بدهید!

اقایی می گفت بعد از فوت پدرم، من ارث خواهرم
را ندادم!

وهزاران مورد از این ظلم ها در خانواده ها رواج
دارد.

ما باید در این موارد یاور مظلوم باشیم و از حق
مظلوم دفاع کنیم

همچنین در دنیا امریکا به کشورها زور می گوید.
اسرائیل ظلم می کند. شورای امنیت زور می گوید.

ما باید حداقل در دلمان از ظالمین جهان متنفر
باشیم و با مظلومین احساس همدردی بکنیم.

کسی هم که در حق دیگران بدی می کند؛ در
اصل به خودش ستم کرده است. زیرا در دنیا و
آخرت ضرر می کند. اولین ضرر دنیوی او این
است که دوست شفیقی را از دست داده و یا
دشمنی برای خودش ساخته است و دومین آن،
تقاص است در همین دنیا. زیرا یکی از گناهانی
که نتیجه اش در همین دنیا دیده می شود، ستم
به دیگران است. و نتیجه شوم دیگرش در آخرت
است

قران می فرماید:

الا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ؛ آگاه باشید؛ لعنت خدا
بر ستمگران باد.³⁷

..
امام صادق علیه السلام فرمودند : کسی که
ظلم کند ، یا به خودش لطمه وارد می شود یا به
مالش یا به فرزندش³⁸ ..

³⁷ هود، 18.

³⁸ کافی ج 2 ص 332

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند : کسی که به
بندگان خدا ظلم کند ، خدا را دشمن خود کرده و
کسی که خدا دشمنش بشود ، در دنیا و آخرت
عذابش می کند³⁹ ..

دیدند جوانی امریکایی مسلمان و شیعه شده و
اسمش را علی گذاشته است از او علت شیعه
شدنش را پرسیدند گفت روزی با نهج البلاغه
برخورد کردم و با مطالعه ان متحول شدم و یک
جمله ایرمومنان مرا دیوانه کرد!

³⁹ مستدرک الوسائل ج 12 ص 100

انجا که می فرماید: اگر تمام اقالیم سبعة را به من
دهند تا دانه جویی را از دهان مورچه ای بگیرم
هرگز این کار را نخواهم کرد⁴⁰.

وقتی امیرمومنان در عمرش ذره ای ظلم نکرد
ماکه پیرو ان حضرت هستیم باید این چنین باشیم
و نه ظلم کنیم و نه کمک کننده به ظالم باشیم.

اگر دیدید دارند شخصی رو می زنند نباید بی
تفاوت باشید باید به هر وسیله شده مانع شوید. یا
اگر دیدید جوانهای ازادل و اوباش دختری رو می
دزدند باید جلوگیری کنید که این عکس العمل
شما هم باعث رضایت خداوند تبارک و تعالی
میشود هم مردم خوششان می آید و عزت پیدا
می کنید.

⁴⁰ نهج البلاغه ج2 ص218

در زمان پیامبر خدا(ص) زنی گربه ای را در اطاقی
حبس کرد تا اینکه گربه بر اثر گرسنگی
مرد!وقتی خبر به پیامبر رحمت رسید فرمود این
زن در جهنم است.

آی برای ظلم به یک حیوان هم انسان را عذاب
می کنند و خداوند هیچگونه ظلمی را نمی پذیرد.
باز در روایت است که عابدی در حال نماز بود و
بچه های شیطان در قابل او پرنده ای را شکنجه
می کردند واو به عبادتش ادامه داد. خداوند ان
عابد را عذاب کرد چون جلو ظلم را نگرفت.

26-همیشه در حال افزایش اطلاعات خود باشید

هرچقدر آگاهی انسان نسبت به همه چیز افزایش
یابد آسیب ها کمتر می شود.

مردم از کسی که همه چیز می داند خوششان می
آید. هر وقت فرصت کردید مطالعه کنید. درباره
کشورمان. درباره جهان. درباره سلامتی. درباره
رایانه. درباره جنگهای جهانی. درباره مردان
مشهور. درباره مسائل خانواده. درباره اخلاق و...

از یک نفر که سه تا بچه عقب مانده داشت
پرسیدم چرا وقتی دیدی اولین بچه ات عقب
مانده است اقدام به تولد بچه های دیگر کردی که
اینجور مشکلات بزرگ داشته باشی؟ یک کلمه
جواب داد: نمی دانستم

اری ریشه همه گرفتاری های بشر جهل و
ندانستن است.

اینکه خدا فرموده: هل یستوی الذین یعلمون
والذین لایعلمون؟^{۴۱}

آیا آنان که می دانند با آنان که نمی دانند مساوی
هستند یعنی علم ارزش می آورد.
همیشه استاد باشید نه شاگرد...

متأسفانه! کشور ما که کشوری است اینهمه
دانشمند داشته و دارد ولی علاقه مردم به مطالعه
خیلی کم است. برای همین اینهمه در دادگاه ها
پرونده شکایت از یکدیگر است. برای همین
فالگیرها و رمال ها و دعانویس های بیسواد!
بساطشان سکه است! برای همین رسم و رسومات
جلو از دواج جوانهارا گرفته است. برای همین

⁴¹ زمزایه

گاهی یک دعوای دونفره تبدیل به دعوای صدنفره
و بیشتر میشود!

نکته دیگر اینکه خیلی چیزها هست که نیاز نیست
ادم بداند و اگر نداند برای او ضرری ندارد و
دانستنش هم خیری ندارد. مثلاً اینکه مورچه ای
که با حضرت سلیمان حرف زد نر بود یا ماده! یا
مثال امروزی، مربی تیم بزیل وزنش چقدر است!
اما مطالبی است که باید بدانیم و در زندگی دنیوی
و اخروی ما نقش مهمی ایفا می کند. مثلاً درباره
خدا، درباره عدالت خدا، درباره نقش پیامبران در
هدایت بشر، درباره عالم پس از مرگ و اینکه بعد
از مردن چه برسرمان می آید؟ درباره دوازده امام،
درباره ولایت فقیه و رهبری جامعه، درباره
انحرافات خواص و... درباره تکالیفی که خدا به

عهده ما گذاشته است. درباره وظایف فرزندان
نسبت به والدین و برعکس. درباره وظایف زن و
شوهر. درباره اداب معاشرت.

در باره راههای سلامتی اطلاعات بالایی داشته
باشید تا کمتر نیاز به دکتر و بیمارستان پیدا کنید
یکی از اقایان هفتادساله که پروستات داشت. بش
گفتم امام رضا علیه السلام فرموده که اگر نیاز به
دستشویی داشتید حتی سوار اسب بودید فوری
پیاده شوید و خود را تخلیه کنید والا دچار سنگ
مثانه و امثال ان می شوید. ایشان گفت من این
حدیث را نشنیده بودم و گاهی می شد از صبح تا
غروب خود را نگه می داشتم!

یک روز با دکتری که گیاهخوار بود جلسه
داشتیم. ایشان در همان جلسه موقع خوردن، سیر

زیاد خورد. به ایشان گفتم روایت داریم زیاده
روی در خوردن سیر باعث عقیم شدن
میشود! تعجب کرد و گفت نمی دانستم.
رانندگی حتما بلد باشید که گاهی خیلی به درد می
خوره.

در سال 75 داشتیم از ساوه به همدان می رفتیم.
سوار تاکسی بودم. توراه متوجه شدیم راننده
خواب خواب است! بیدارش کردیم کنار زد و
گفت کی رانندگی بلده؟ گفتم من. گفت شما بشین
پشت فرمون من خوابم میاد. ماهم پشت فرمون
نشستیم و تا همدان رانندگی کردیم.

کامپیوتر باید بلد باشیم والا بیسوادیم!
با اختراع کامپیوتر بشر به یک مرحله بسیار مهم
بالا رفتن سطح آگاهی و دانش وارد شد و بوسیله

رایانه و ارتباط بوسیله اینترنت میتوان به درجات
بسیار بالای علم و دانش دست یافت.

می توان بدون حضور در دانشگاه، بالاترین سطح
علمی دانشگاه را فرا گرفت. حتی می توان با
سکونت در یک روستا ولی با همت و تلاش
فراوان به درجات بالای حوزوی دست یافت.

زنان خانه دار و مردان بازنشسته می توانند با
استفاده از کامپیوتر آموزش یافته و برای خود
شغل درست کنند. و کسب درآمد حلال نمایند.

ولی متأسفانه عده کمی در کشور ما از کامپیوتر
استفاده می کنند به عنوان مثال از نمازگزارهای ما
در مسجد شاید یکی دوفرد کار با رایانه را بلد
باشند.

در سال 79 زمانی که هنوز صدام جنایتکار رئیس
جمهور عراق بود، به کربلا مشرف شدیم . شب تو
هتل المیالی خوابیده بودیم که در زدند. در رو باز
کردیم دو تا افسر بعثی گفتند بیا رئیس هتل
کارت داره! پیش رئیس هتل رفتیم مهندس
المیالی! با عربی دست و پاشکسته با ایشان حرف
زدیم معلوم شد کامپیوترش مشکلی داره. از
کاروان سراغ گرفته کی کامپیوتر بلده! گفتند این
شیخ که همراه ما آمده بلده!

من گفتم درستش می کنم ولی بشرط اینکه باش
گناه و معصیت نکنی! قبول کرد و درستش کردم.
بعد سوال کرد سی دی زندگی پیامبر به زبان
عربی یا انگلیسی میخوام. قول دادم به ایران
برگشتم براش بفرستم. و همین کارو کردم. و

ایشان هم در عوض یک جعبه مهر کربلا برای ما
فرستاد.

در تعمیر وسایل خانه. در تعمیر ماشین. در
کشاورزی در باغداری باید اطلاعات خوبی داشته
باشیم

داستانها و ضرب المثلهای زیادی بلد باشیم تا در
جاهایی که دوستان دور هم جمع هستند برایشان
بگوییم

انقدر بدانیم که اگر با یکی که افکار انحرافی
داشت روبرو شدیم بتوانیم بر او غلبه کنیم.
چگونه یک زن شیعه بر حجاج خونخوار
پیروز شد؟.

«حرّه» دختر «حلیمه سعدیه» بر حجاج وارد شد. «حجاج بن یوسف الثقفی، در جنایت و خونریزی ظلم به شیعیان و سادات شهره خاص و عام است. حجاج از طرز ورود و بی‌اعتنایی او به دستگاه حکومتش دانست که این زن یک بانوی عادی نیست بلکه از متانت و عظمت روحی فوق‌العاده‌ای برخوردار است پس از اندکی تأمل پرسید: «حرّه دختر حلیمه توئی؟»

در پاسخ گفت: «فراسهٌ مِنْ غَیْرِ مُؤْمِنٍ» یعنی ای غیر مؤمن درست فهمیدی. حجاج گفت: «من مدّت‌هاست در انتظار دیدار توام به من گفته‌اند که عقیده تو این است که علی افضل اصحاب پیغمبر است و تو علی را بر ابوبکر و عمر و عثمان ترجیح داده‌ای.»

حرّۀ گفت: «به شما دروغ گفته‌اند چرا که عقیده من درباره امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) بیش از آنست که تنها او را بر اصحاب ترجیح دهم، بلکه علی (علیه‌السلام) را بر کسانی که افضل از ابوبکر و عمر و عثمان نیز هستند ترجیح می‌دهم.»

حجّاج گفت: «مقصود خود را واضح‌تر بگو.»

گفت: «افضل از اصحاب پیغمبر چه کسانی هستند و چه کسانی از ابوبکر و عمر و عثمان برترند؟»

گفت: «کسان بسیاری مانند: آدم و نوح و ابراهیم و داوود و سلیمان و موسی و عیسی.»

حجّاج گفت: «وای بر تو که اکتفا نکردی که علی را افضل اصحاب بدانی بلکه او را در ردیف انبیاء نام بردی زود باش و دلیل خود را بر این مدّعی بگو و اگر دلیل واضحی و برهان قاطعی بر این

دعوی نیاوری ترا خواهم کشت.» حرّه گفت: «این
فضیلت را خداوند در قرآن به امیرالمؤمنین علی
داده است و آن به این شرح است:

افضلیت امام بر حضرت آدم: خداوند در قرآن
مجید درباره آدم گوید: «وَ عَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى»

[طه/سوره ۲۰، آیه ۱۲۱. { ولی درباره علی

(علیه السلام) گوید: «وَ كَانَ سَعِيْكُمْ

مَشْكُورًا».[بقره/سوره ۲، آیه ۳۵.] آدم از همه

نعمت‌های بهشتی مستفید بود و در بهره‌برداری از

تمام نعمات آزاد بود و تنها از درخت گندم ممنوع

بود که «وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ». [انسان/سوره ۷۶،

آیه ۲۲. { فرمود ولی آدم (علیه السلام) یکسر به

سراغ گندم رفت و از گندم خورد و علی

(علیه السلام) منعی از گندم نداشت و همه نعمت‌ها
بر او حلال و مباح بود ولی با این وجود نان گندم
نخورد.

افضلیت امام بر حضرت نوح: حجاج بی‌اختیار
گفت: «احسنت یا حرّه» اما دلیل تو بر افضل بودن
علی از نوح و لوط چیست؟ حرّه گفت: خداوند در
مورد همسر نوح و لوط می‌گوید: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا
لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ
عَبْدَيْنِ مِّنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيا
عَنهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ
الدَّاخِلِينَ». [تحریم / سوره ۶۶، آیه ۱۰.]

ولی علی بن ابیطالب را همسری است که
خوشنودی او خوشنودی خدا و خشم او خشم

خداست اگر فاطمه از کسی راضی نباشد خداوند
از او راضی نشود.

افضلیت امام بر حضرت ابراهیم: حجاج گفت:
«احسنت یا حرّه! اما بگو بدانم دلیل برتر بودن
علی از ابراهیم چه خواهد بود؟»

حرّه گفت: «خداوند در قرآن مجید از قول ابراهیم
(علیه السلام) حکایت کرد: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ
أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنُ قَالَ بَلَى وَ
لَكِنْ لِيَطْمَئِنَّ قَلْبِي»، [بقره / سوره ۲، آیه ۲۶۰]. و
حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در این
باره جمله‌ای فرموده است که دوست و دشمن و
خویش و بیگانه این سخن را از او نقل کرده‌اند و
همگی شهادت به صحت آن داده‌اند چه عمل او

مصدق گفتارش بود که می‌فرمود: «لَوْ كُشِفَ الْغِطَا
مَا اَزْدَدْتُ يَقِينًا». اگر پرده‌ها از جلوی چشمانم
کنار رود ذره‌ای بر یقینم افزوده نشود. {مجلسی،
محمدباقر، بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۱۴۲.}

افضلیت امام بر حضرت موسی: حجاج گفت:
«احسنت یا حرّه! اما دلیل تو بر افضل بودن علی از
موسی چیست؟»

حرّه گفت: «خداوند در مورد موسی می‌فرماید:
«فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ» پس موسی از شهر
خارج شد هراسان. [قصص/سوره ۲۸، آیه ۱۲۱.]
اما علی در «لیله المبیت» در بستر پیغمبر خوابید و
جان خود را بی‌تشویش فدای رسول اکرم
(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) کرد بطوریکه خداوند بر

علی نزد فرشتگان مباحثات کرد و در شان او
فرمود: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ
مَرْضَاتِ اللَّهِ» [بقره/سوره ۲، آیه ۲۰۷].

شیخ بهائی با اینکه یک عالم شیعه بود ولی علوم
بسیاری را بلد بود حتی شعبده بازی!

روزی شخص شعبده بازی در بارگاه شاه عباس
در حالی که شیخ بهائی هم حضور داشت، کارهای
عجیب و غریب انجام می داد و همه به او افرین
می گفتند. و او را دانشمند می دانستند! در این
موقع شیخ بهائی جوراب خود را درآورد و ناگهان
جوراب مار شد! همه فرار کردند. شیخ دوباره آن را
جوراب کرد و به پا نمود! شاه عباس تعجب کرد و
گفت شما هم از این کارها بلد هستید؟ شیخ بهائی

گفت از جایی رد میشدم دیدم شعبده بازی از این
کارها می کند نگاه کردم و یاد گرفتم!

شبى با قطار قم مى رفتم. مدير كل راه اهن كه
اوهم با ان قطار سفر مى كرد به من گفت من تو
كوپه تنها هستم شما به كوپه ما بيا. پيش ايشان
رفتم و چندين ساعت باهم صحبت مى كرديم و
ايشان گفتند چقدر شما اطلاعات از همه چيز
داريد و شما دانشمند هستيد!

يكي از دوستان مى گفتم سالى حج رفته بودم. در
مدينه ساعتى كاوان را ترك كردم وقتى برگشتم
ديدم يك نفر وهابى براى كاروان سخنرانى مى
كند و مى گويد: فاطمه زهراء (س) با بقيه دختران
پيامبر فرقى نداشته است شما شيعيان بدون دليل
ايشان را برتر مى دانيد! من گفتم اجازه است

جواب شمارا بدهم؟ گفت بگو! گفتم اگر فاطمه
زهراء (س) با بقیه دختران پیامبر فرقی نداشته
است پس چرا در مباحله پیامبر ایشان را با خود
بردند؟

جوابی نداشت بده!

این نتیجه مطالعات بالا هست.

اگر ساده باشیم زود گول می خوریم
سازمان جهنمی منافقین جوانهای مارا گول زدند
چون اطلاعات دینی آنها هیچ بود!

داستان خیلی جالباز عابد ساده لوح!

در کتاب بحار الانوار و اصول کافی از امام صادق
(علیه السلام) نقل شده که آن حضرت می
فرمایند:

عابدی بود که همیشه سرگرم عبادت و بندگی و
اطاعت حق بود. به قدری در عبادتش کوشا بود
که شیطان هرکاری می کرد که او را سست کند،
نمی توانست.

النهّایه شیطان آخر نعره ای زد. بیچّه هایش
اطرافش جمع شدند، گفتند: تو را چه شده که
فریاد می زنی؟

گفت: از دست این عابد عاجز شده ام! آیا شما
راهی سراغ دارید؟

یکی از آن ها گفت: من او را وسوسه می کنم که
به شهوت آید و زنا کند.

شیطان گفت: فایده ای ندارد؛ زیرا اصل میل به زن
در او کشته شده است.

دیگری گفت: از راه خوراکی های لذیذ او را می
فریبم تا به حرام خواری و شراب کشیده شود و
او را هلاک کنم.

گفت: این هم فایده ندارد؛ زیرا در اثر ریاضت
چند ساله، شهوت خوراکی نیز در او کشته شده
است.

سوّمی گفت: از راه عبادت، همان راهی که در آن
الان به سر می برد، چون عبادت می کند امّا
آگاهانه نیست، می توانم او را گول بزنم
شیطان گفت: آفرین! مگر از راه تقدّس کاری
!کنی

بالاخره نتیجه ی این شورا این شد که خود همین
شیطانک مأموریت پیدا کرد. (در اغلب متدینین از
همین راه و نظایرش وارد می شود.) شیطانک به
صورت جوانی به صومعه رفت و در زد. عابد آمد
در صومعه را باز کرد دید یک جوان است
آقا چه می خواهی؟

شیطان گفت: من جوان مسلمانی هستم ولی
متأسّفانه پدر و مادر من گبر و بت پرست هستند.

نمی گذارند، من نماز و عبادت کنم. شنیده ام
 عابدی در این جا مشغول عبادت است و صومعه
 دارد. گفتم بیایم نزد شما و بهتر به بندگی برسم.
 مگر شما نمی خواهید تمام مردم خدا پرست
 شوند؟ یکی از آن ها من هستم
 عابد به ناچار راهش داد. آمد جلوی عابد ایستاد
 به نماز خواندن
 آن قدر نماز خواند و خواند و خواند تا نزدیک
 غروب، عابد روزه دار بود. سفره ی کوچکی پهن
 کرد به جوان تعارف کرد. جوان گفت: نه نمی
 خورم. حالا دیر نمی شود. الله اکبر! ایستاد به نماز.
 عابد یک مقدار نان خشک خورد و دوباره به نماز
 ایستاد. بعد خوابش گرفت. به جوان گفت: بیا یک
 مقدار استراحت کن
 جوان گفت: نه! الله اکبر! و دوباره نماز بعدی را
 شروع کرد.

عابد یک مقدار خوابید. نیمه های شب بیدار شد، دید این جوان بین زمین و آسمان نماز می خواند. عابد به خودش گفت: عجب! عابدتر از من هم هست که به این مقام نماز رسیده و اصلاً خسته نمی شود. این چه شوقی است؟ این چه نیرویی است که خدا به این جوان داده که غذا نخورد و خواب نداشته باشد و دایم به عبارت مشغول باشد؟ بالاخره گفت: بروم از او سؤال کنم که چه کرده که به این مقام رسیده؟

شیطانک سرگرم بود و اصلاً اعتنایی به عابد نمی کرد. سلام نماز را داد، فوراً به نماز بعدی سرگرم می شد. تا بالاخره عابد او را قسم داد که فقط سؤالی دارم، جواب مرا بده. شیطانک صبر کرد و !عابد پرسید: چه کردی که به این مقام رسیدی؟

گفت: من که به این مقام رسیدم، به واسطه ی گناهی بود که مرتکب شدم و بعد هم توبه کردم

و حالا هر وقت به یاد آن گناه می افتم، توبه می کنم و در عباداتم قوی تر می شوم و صلاح تو را هم در همین می بینم که بروی و با زنی نامحرم زنا کنی و بعد توبه نمایی تا به این مقام بررسی عابد گفت: من چطور زنا کنم؟ اصلاً راه این کار را نمی دانم و پول هم ندارم. شیطانک دو درهم به او داد و نشانه ی محلّه ی فاحشه ای را در شهر به او داد.

عابد از کوه پایین رفت و به شهر داخل شد. از مردم سراغ خانه ی فاحشه را گرفت. مردم گمان کردند که او می خواهد آن زن را ارشاد و راهنمایی کند. جایش را نشان دادند. وقتی که بر فاحشه وارد شد، پول خود را به او عرضه داشت و تقاضای حرام نمود.

این جا لطف خدا به یاری عابد می آید و به دل فاحشه می اندازد که او را هدایت کند.

زن به سیمای عابد نگریست، دید زهد و تقوی از
آن می بارد. آمدنش به این جا عادی نیست. از او
پرسید: چطور شد به این جا آمدی؟
گفت: چه کار داری تو پول را بگیر و تسلیم من
!شو!

زن گفت: تا حقیقت را نگوئی، تسلیم تو نمی
!شوم!

بالاخره عابد به ناچار جریان را گفت.
زن گفت: ای عابد هر چند به ضرر من است و من
الان به این پول نیاز دارم ولی بدان این شیطان
بوده که تو را به سوی من راهنمایی کرده است.
عابد گفت: او به من قول داده که به مقام او برسم.
زن گفت: نه چنین نیست که تو می گویی.
ای عابد! از کجا معلوم که پس از زنا توفیق توبه
پیدا کنی یا توبه ات پذیرفته شود و یا اگر یک
وقت در حال زنا عزرائیل آمد و جانت را گرفت.

تو جواب خدا را چه خواهی داد؟ یا این که جنب
از حرام بودی، فرصت غسل و توبه و انابه پیدا
نکردی. جواب حق را چه خواهی داد؟! از آن
گذشته پارچه ی پاره نشده، بهتر است یا پاره
شده و دوخته و وصله کرده شده؟! این شیطان
بوده که تو را فریفته است

عابد باز نپذیرفت. زن در آخر کار گفت: من این
جا هستم. برای این شغل آماده هستم. تو برگرد
اگر دیدی آن جوان همان جاست و همین طور
سرگرم عبادت است، بیا من در خدمت هستم
البتّه دزد تا شناخته شد، فرار می کند. تا مؤمن ()
فهمید و به این مرحله از شناخت رسید که وسوسه
(ی شیطان است، در می رود

سرانجام عابد قبول کرده و به صومعه برمی
گردد، می بیند کسی نیست و می فهمد که این
ملعون (شیطان) می خواسته او را در چه دامی

بیندازد، از کرده ی خود پشیمان و نادم گشته و
توبه می نماید و به عبادت مشغول و به آن زن
فاحشه دعا می کند

مرويست که شب آخر عمر آن زن فاحشه رسيد
و از دنيا رفت. صبح به پيغمبر آن زمان وحی
رسيد که به تشييع جنازه ی او برود. وقتی که بر
در خانه ی زن می رسد، مردم می گویند: ای
پیغمبر خدا! برای چه به در خانه ی این زن فاحشه
آمده ای؟

می گوید: برای تشييع جنازه ی زنی از اولياء حق
آمده ام.

مردم می گویند: او زن فاحشه ای بیش نبود
پیغمبر سرش را به سوی آسمان می کند و می
گوید: خدا تو می گویی یکی از اولیای من مرده!
تشیيع جنازه اش کن! این مردم می گویند این زن
فاحشه بوده، قضیه چیست؟

خطاب رسید: ای پیغمبر! هم مردم راست می
گویند و هم من! چون این زن تا چندی پیش
فاحشه بوده، اما آن عابد را از گناه دور می کند.
بعد از رفتن عابد در خانه را می بندد و پشت در
می نشیند و کلاه خود را قاضی می کند و می
گوید:

ای بدبخت و بیچاره! تو به عابد گفתי شاید در
حال زنا عزرائیل به سراغت آید و تو توفیق توبه
کردن پیدا نکنی! چه خاکی بر سر خواهی ریخت؟
تو که خودت از او پست تر هستی و یک عمر
دامنت کثیف و آلوده است. تو چرا توبه نمی کنی؟
شاید عزرائیل یک وقت به سراغ تو هم بیاید. با
دامن آلوده جواب خدا را چه خواهی داد؟
از آن شب توبه کرد و از گناه برگشت و نادم و

پشیمان گردید و با ما آشتی کرد و مشغول
عبادت گردید.⁴²

27- مسئولیت پذیر باشید!

کاری را که قبول می کنید انجام دهید درست
انجام دهید. خوب انجام دهید. کم کاری
نکنید. کوتاهی نکنید. بسیاری از مشکلات کشور ما
مربوط به کوتاهی در انجام وظایف است.
شوهر باید خرج همسرش را بدهد و نباید
کوتاهی کند

خانمی پیام داد که شوهرم من رو رها کرده و
ناپدید شده و گاز و برق و هم قطع شده و من از
سرما دارم می لرزم و غیر از شما پناهی ندارم!

⁴² گناهان کبیره، ج 2، ص 412

من به رئیس کمیته امداد زنگ زدم یک مورد هست بیا بریم ببینیم چیه. ایشان آمد و در حالی که برف زیادی آمده بود به ادرس اون خانم رفتیم. وقتی وارد خونه اش یم شروع کرد به گریه کردن و دیدیم راست میگه. بخاطر بدهی گاز و برقش قطع شده. به روسای گاز و برق زنگ زدیم و اومدند وصل کردند و رئیس کمیته امداد هم پونصد هزار بلاعوض بش داد.

چه بسیار هیات امناء مساجد و مراکز دینی که سالی یکبار هم در مسجد حاضر نمیشوند فقط اسمشان هیات امناء است!

کسی که استاندار یا فرماندار میشود باید مرتب به همه محل های تحت حوزه وظیفه اش سرکشی

کند. حتی به روستاهای دوردست سفر کنند و
مشکل مردم را در حد امکان حل کنند.

کسی که مدیر کل است باید مرتب به مسائل
افراد تحت امرش رسیدگی کند.

کسی که فرمانده گروهی را بعهدہ دارد باید
مرتب به کار آنها رسیدگی کند.

کسی که پول می گیرد تا خانه ای را درست
کند باید کارش را درست انجام دهد نه اینکه یک
روز کار کند و یک روز به بهانه ای سرکار نیاید.
این سخن پیامبر را باید در گوش خود کنیم که
فرمود:

کلکم مسئّل عن رعیتہ!

همه شما نسبت به زیر دستان خود مسئول
هستید.

ما می بینیم بعضی ها شهردار میشوند ان چنان
خوب کار می کنند که هیچگاه حقوق پرسنل
شهرداری و کارگران خدمات، تاخیر نمی افتد ولی
گاه در همان شهر شهردار دیگری می اید و
همیشه حقوق کارگران خدمات چند ماه عقب می
افتد!

یا افرادی رئیس جمهور میشوند و چقدر کارهای
خوب برای کشور انجام می دهند ولی بعضی
رئیس جمهور میشوند و فقط بر مشکلات مردم
می افزایند!

ان پدری و مادری موفق است که در تربیت
فرزندان خود دقت کامل کند و بی خیال نباشد
وانهارا کاملا ازاد نگذارد

باید همه وجدان کاری داشته باشند!

یکی از مصادیق وجدان کاری رعایت ساعت کار
است. اگر قرار است کارمند 8 ساعت کار کند باید
به آن عمل کند و کم کاری نکند که کم کاری هم
گناه است و هم مزدی که در مقابل کار می دهند
اشکال پیدا می کند و هم به اقتصاد کشور ضرر
وارد می شود. لذا بعضی از افراد متدین وقتی چند
روزی سرکار نمی روند از ما سوال می کنند که آیا
می توانیم از این حقوق استفاده کنیم؟

همچنین یکی از مصادیق وجدان کاری این است
که کار را درست انجام بدهند. گاهی دیده شده

که ارباب رجوع را به فردا و پس فردا حواله می دهند درحالی که می توانند در همان روز اول و دوم آن کار را انجام دهند. این هم خلاف وجدان کاری است و بخاطر اذیت کردن مومنین حرام است.

یکی دیگر از مصادیق وجدان کاری آن است که کار را با دقت انجام دهند. وقتی جاده یا ساختمان یا کارخانه ای یا پلی را درست می کنند اگر دقت نکنند بعد از مدتی با مشکل مواجه می شود. در بعضی موارد عدم دقت در کار منجر به ضررهای بزرگ می شود. مثلاً نیمه شب بیماری را به اورژانس می برند اگر پزشک مربوطه دقت نکند گاهی بیمار فوت می کند یا مشکل بزرگی ایجاد می شود. و این خود از مظالم بوده که مورد مواخذه الهی قرار خواهد گرفت.

مصدق دیگر وجدان کاری عدم اسراف و تبذیر
در هزینه بیت المال است. اگر درجایی پروژه ای
را بدون توجیه منطقی اجرا کنند و از بیت المال
هزینه نمایند که بدرد کشور نخورد اینهم علامت
عدم وجدان کاری است. مثلاً در فلان منطقه پروژه
ای را اجرا کرده اند که برای کشور فایده ای
ندارد. نمازخانه ای با اعتبار چهارصد میلیون تومان
در جایی ساخته اند که نمازگزار ندارد. کارخانه ای
ساخته اند که از نظر اقتصادی توجیه ندارد و...

همچنین از مصادیق وجدان کاری ، ارائه کالا و
خدمات بی کیفیت است. چه نانوا چه کارخانه دار
چه شرکتها و هرکسی که تولید کننده باشد اگر
تولیدش بی کیفیت باشد به عنوان حق الناس
مسئول است.

رابطه مستقیمی بین وجدان کاری و حق الناس
است

چندتا روایت و چند نکته درباره حق الناس:

روزی بعد از نماز، رسول خدا(ص) به اصحاب
فرمود: در اینجا از قبیله بنی نجار احدی هست؟ زیرا
دوست آنها با آنکه شهید شده است، ولی بخاطر
سه درهم که به فلان شخص یهودی بدهکار بوده
است، به او اجازه ورود به بهشت را نداده اند!
پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

کسی که از اداء حقی از حقوق مسلمانان خودداری
کند، خداوند او را از برکت رزق محروم می
گرداند؛ مگر اینکه توبه کند.

عدم استجابت دعا

امام صادق (ع) فرمود: هرگاه یکی از شما می

خواهد دعایش مستجاب شود کسب خود را پاک

کند و حق مردم را به آنان بازگرداند. زیرا دعای

بنده ای که در شکمش مال حرامی هست یا در

نزد او حقی از حقوق مردم ضایع شده باشد به

سوی خدا نمی رود .

خوردن آتش دوزخ

امام صادق (ع) به ابی بصیر فرمود: کسی که مال

برادرش را به ظلم بخورد و به برنگرداند. در

قیامت قطعه ای از آتش جهنم خواهد خورد.

در بعضی از روایات آمده در برابر هر درهمی

600 نماز از مدیون گرفته می شود و به طلبکار

داده می شود

در فتوای مراجع است که اگر دکمه شما مال

مردم باشد نخ خیاطی لباس شما غصبی باید

نمازش را اعاده کند .

در روایت است که خداوند حق مردم را بر حق
خودش مقدم داشته و هر که حق مردم را ادا کند
می تواند حق خدا را هم ادا نماید.

طولانی ترین آیه قرآن درباره حق

است !. [282 بقره] الناس

28- شجاع باشید و ترسو نباشید!

شجاعت و نترسیدن از ارزشهای مهم انسانی
است که آثار مثبت مهمی برای بشریت دارد و
برای همین آثار مثبت هست که اسلام به شجاعت
فرمان داده و از ترسو بودن نهی کرده است.

پیامبران و رهبران الهی و اولیاء خدا همگی
شجاع بودند.

امام خمینی در سال 1343، پس از آزادی از

زندان، در مسجد اعظم فرمودند :

والله من به عمرم، نترسیدم⁴³.

شهید سید مجتبی نواب صفوی

استاد محمد تقی جعفری گویند : در سفری پیاده

همراه نواب از نجف به کربلا می رفتیم . شب بود .

ناگهان راهزنی از اعراب بادیه ، با خنجر کشیده

روبرویمان ایستاد . لرزه بر اندامان افتاده بود .

اما نواب بی محابا در یک چشم بهمزدن ، با عرب

بیابانی گلاویز شد و خنجر را از دست او خارج

کرد و به او ومن گفت : برویم!

سیلی در مقابل سیلی!

یکی از بزرگان قم نقل کرده است :

من مدت دوازده سال از قم به تهران نرفتم تا
آنکه یک کار ضروری برایم پیدا شد
که ناچار شدم به تهران بروم .

در آن ایام رضاشاه قلدر دستور کشف حجاب را
داده بود و مأمورین این دستور را با شدت اجرا
می کردند . من در تهران در یکی از خیابانها
می رفتم دیدم زنی با چادر می رود تا چشم یکی از
افسران به آن زن افتاد با شدت یک سیلی به او
زد و چادر را از سرش کشید به طوری که من
وحشت زده شدم .

ناگهان دیدم یک کالسکه در همانجا ایستاد و
مرحوم سید ابوالقاسم کاشانی از آن پیاده شد و از
پشت سر یک سیلی محکم به آن افسر زده و او را
به لرزش درآورد باز سوار کالسکه شده رفت آن

افسر مانند کسی که استخوانی در گلایش گیر
کند دیگر نتوانست کلمه‌ای حرف بزند .

شجاعت یک نوجوان ایرانی

روز هشتم آبان ۱۳۵۹، حسین فهمیده نوجوان
سیزده ساله ایرانی که در جبهه خرمشهر حاضر
بود مشاهده کرد که پنج تانک عراقی، مغرورانه
رجز می خواندند و پیش می آمدند تا رزمندگان
ایرانی را محاصره کنند و بعد همه شان را به قتل
برسانند.

تنها راه پیش روی حسین فهمیده، فداکردن
خودش برای نجات هم‌زمانش بود. حسین
سیزده ساله، آخرین نارنجکهای باقیمانده را به
خود بست و به سمت تانکها حرکت کرد. در
همین فاصله، تیری به پای حسین خورد اما او
کوتاه نیامد. با همان پای زخمی، کشان کشان

خودش را به اولین تانک رساند و ضامن نارنجکها را کشید.

با صدای انفجار تانک جلویی، چهار تانک دیگر، با این خیال که رزمندگان اسلام حمله کرده اند، فرار را برقرار ترجیح دادند. بقیه رزمنده ها تازه متوجه نقشه دشمن برای محاصره شان شدند. آنها با فکر اینکه نیروی کمکی آمده، جان تازه ای گرفتند و چهار تانک در حال فرار را هم نابود کردند. مدتی بعد، نیروهای کمکی به خط مقدم رسیدند و آن قسمت را، از لوث وجود متجاوزان بعثی پاک کردند.

یکی از همان روزهای سرد پاییزی، ساعت هشت صبح، رادیو برنامه های عادی اش را قطع کرد و خبر عملیات شهادت طلبانه یک دانش آموز سیزده ساله را پخش نمود. پشت آن، پیام حضرت امام را خوانند: «رهبر ما آن طفل سیزده

ساله‌ای است که با قلب کوچک خود - که ارزشش
از صدها زبان و قلم ما بزرگتر است - با نارنجک،
خود را زیر تانک دشمن انداخت و آن را منهدم
نمود و خود نیز شربت شهادت نوشید⁴⁴»

ملتی که شجاع باشند دچار ذلت و خواری نمی
گردند همانند ملت ایران ولی مردمی که ترسو
باشند عزت و شرافت خود را برباد می دهند مانند
مردم کوفه در هنگام قیام امام حسین علیه السلام.

نکته مهم درباره شجاعت:

گاهی شجاعت ارثی است. مانند حضرت عباس
علیه السلام که هم مادرش ام البنین خیلی شجاع

بود هم پدرش امیر مومنان که بعد از پیامبر اسلام
کسی به شجاع حضرت علی علیه السلام نمی رسد.
و گاهی اکتسابی است. مانند یکی از سرداران
جبهه که در خاطراتش می گفت در نوجوانی خیلی
ترسو بوده بطوری که وقتی دستشوئی می خواسته
برود باید داداشش همراهش تا در دستشوئی می
رفته است! ولی همین فرد با شرکت در جبهه
، ترسش از بین رفته و به یک ادم شجاع تبدیل
میشود.

29- همیشه آراسته باشید

اراستگی به موفقیت انسان کمک می کند. ادم
اراسته مورد احترام مردم قرار دارد.

عطر زدن.لباس مرتب و تمیز پوشیدن.جوراب رو
چند روز یکبار شستن.محاسن اگر سفید
شده،خضاب کردن.

موی سر و محاسن را بموقع اصلاح نمودن. ناخن
هارا در موقعش گرفتن.آب بینی را با دستمال
پاک کردن و پرهیز از تف کردن و اب بینی در
معابر انداختن.دندان هارو مسواک زدن.و حتی
المقدرو اتو کردن لباس ها.

«خدا به ابراهیم علیهالسلام فرمان داد که: خود را
پاکیزه کن ! او هم سبیل خود را کوتاه کرد . باز
به او خطاب شد که: پاکیزه شو ! ابراهیم
علیهالسلام موی زیر بغل خود را اصلاح کرد .
مجددا به او خطاب شد که: پاکیزه شو ! او هم

ناخن‌های خود را گرفت . باز به او فرمود: پاکیزه شو ! او موی عورت خود را ازاله کرد .

مجدداً به او امر امر شد که: پاکیزه شو ! او هم خود را ختنه نمود .»

«پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله : هر که به خدا و قیامت ایمان دارد نباید موهای عورت خود را بیش از چهل روز نسترده بگذارد و زنیکه ایمان دارد بیش از بیست روز نباید نسترده بگذارد .»

«رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله : هر که سیل خود را نچیند از مانیت .»

«روزی رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله مشاهده کرد که چند نفر از مسلمانان دندان‌شان زرد است !

حضرت فرمود: چرا دندان‌های شما را کثیف

می‌بینم؟ چرا مسواک نمی‌زنید؟»

«مردی به دیدار پیامبر رفت . حضرت قبل از دیدار با آن مرد، ظاهر خود و محاسن را در آینه که ظرف آبی بود، مرتب کرد . بعد از برگشتن حضرت، عایشه گفت: ای رسول خدا ! تو سرور فرزندان آدم علیه‌السلام هستی و رسول پروردگار عالمیانی ! آن وقت برای دیدار با یک فرد عادی، می‌ایستی و محاسن خود را در ظرف آب مرتب می‌کنی؟ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: ای عایشه ! خدا دوست دارد که وقتی مؤمن به دیدار مؤمن می‌رود، خود را زیبا و مرتب سازد .»

«عده‌ای به امام رضا علیه‌السلام گفتند که: مردم از اینکه می‌بینند شما لباس‌های خوب و گرانبه بر تن می‌کنید، ناراحتند !

گرانقیمت بر تن می‌کنید، ناراحتند !

امام فرمود: یوسف پیامبر از نسل پیامبران بود در حالی که لباس دیبا به تن می‌کرد و از پوشش زربفت استفاده می‌نمود و در مجالس آل فرعون می‌نشست و این‌ها به مقام او خدش‌های وارد نکرد . لباس گرانقیمت در صورتی مذموم است که خرج ضروری‌تری در پیش باشد و آنچه بر امام لازم است، عدالت در حکم و راستگویی در سخن می‌باشد .

خداوند چیزهایی را حلال نموده که کم و زیاد نمی‌شوند و چیزهایی را حرام نموده که آنها هم کم و زیاد نمی‌شوند !»

30- به مردم خدمت کنید.

بهترین مردم کسی است که به مردم سود و نفع
برساند.

کسی که یه ابسردکن تهیه می کند تا تشنگان در
تابستان از ان استفاده کنند. یا اینکه کتابخانه ای
تاسیس می کند. یا قرضا الحسنه ای درست می
کند تا به مردم قرض بدهد.

یا اینکه غذا تهیه کرده به کارگرهایی که کار
گیرشان نیامده ناهار می دهد. یا اینکه تعدادی
جهیزیه برای دخترانی که می خواهند ازدواج کنند
ولی وضع مالی خوبی ندارند تهیه می نماید. یا برای
مسجدی که فرش ندارد فرش تهیه می کند یا
برای زائرین کربلا غذا تهیه می کند و یا شب عید
برای فقرا عیدی تهیه می نماید

پیامبر(ص) فرمود: مردم روزی خوار خدا هستند
پس محبوبترین خلق به خدا کسی است که به
عیال الله نفع برساند و بر آنها سروری وارد کند.

پیامبر(ص) فرمود: بد رستیکه از جمله
چیزهائیکه از اعمال و حسنات مؤمن بعد از
مرگش، به او ملحق می شود، علمی است که
تعلیم و نشر داده و یا فرزند صالحی است که
بجا گذاشته و یا مسجدی است که
ساخته و یا خانه ای است برای در راه
ماندگان، ساخته و یا نهری است که
برای مردم روان نموده و یا صدقه ای است که در
زمان سلامتی، خود آنرا داده است!»

«رسول خدا(ص) فرمود: روزی حضرت
عیسی(ع) از قبری عبور کرد و مشاهده نمود

که صاحب آنرا عذاب می کنند. سال بعد
وقتی از آنجا عبور می کرد، متوجه شد که از
عذاب خبری نیست! سؤال کرد: خدایا!

سال گذشته این شخص را عذاب می کردند
ولی امسال از عذاب اثری نیست! خدا به او
وحی کرد: ای روح الله! این مرد، فرزند صالحی
دارد که امسال راهی را برای مردم ساخته
است و یتیمی را پناه داده است! لذا این مرده را
بخاطر فرزندش آمرزیدم.»

«رسو خدا (ص): هر که چیزهائی که در راه
وجاده افتاده و باعث اذیت عابرین می شود را
بردارد، برایش ثواب چهار صد آیه که برای
هر آیه ای، ده حسنه داده میشود، نوشته
می گردد.»

«رسول خدا(ص):هر مسلمانی باید روزانه صدقه بدهد! گفته شد:چه کسی طاقت عمل کردن به این دستور را دارد؟ فرمود:برداشتن اشیائی که باعث اذیت عابرین می شود، صدقه است، راهنمائی گمشدگان و کسانی که بدنبال چیزی می گردند، صدقه است،، عیادت از مریض، امر بمعروف و نهی از منکر صدقه است. حتّی 'جواب سلامی که می دهی صدقه است.»

و فرمود: کسیکه به برادر مسلمانش قرض بدهد، برای هر درهمی، ثواب وزن کوهی از کوههای رضوی(در حجاز) یا کوه سینا(در مصر) به او می دهد و اگر در طلبش با

او مدارا کند، از پل صراط مانند برق لامع
بدون حساب و عذاب، می‌گذرد.»